

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

آذر ماه ۱۳۹۱ دسامبر ۲۰۱۲

شماره ۷۷

toufan@toufan.org www.toufan.org

بمباران نوار غزه و کشتار بربرمنشانه‌ی آوارگان فلسطینی، جنایت علیه‌ی بشریت
است. ص. ۲



شکست مفتضحانه‌ی اسرائیل در بلعیدن "مار سمی" ص. ۳



انقلاب مصر ادامه دارد. زنده باد انقلاب ص. ۳

اطلاعیه‌ی حزب کار ایران (توفان) پیرامون جانباختن ستار بهشتی ص. ۴

گزارشی از ایران در مورد اثرات مخرب

تحریم‌های امپریالیستی ص. ۵



متن سخنرانی رفیق، نماینده‌ی حزب کار ایران (توفان) در اجلاس وسیع سازمان‌ها و احزاب انقلابی در استانبول.

ص. ۷

در حاشیه‌ی انتخابات آمریکا و پیروزی باراک اوباما ص. ۹

اجازه ندهیم تراژدی به قدرت رسیدن رژیم اسلامی تکرار شود ص. ۱۰

گشت و گذاری در فیسبوک گلچینی از مطالب متنوع روز ص. ۱۱

آکسیون شکوهمند در شیلی در همبستگی با خلق‌های فلسطین، سوریه و ایران ص. ۱۷

اعلامیه سازمان انقلابی افغانستان در مورد فلسطین ص. ۱۷

۱۶ آذر روز دانشجو گرامی باد!

بمباران نوار غزه و کشتار بربرمنشانه‌ی آوارگان فلسطینی، جنایت علیه بشریت است.

بمباران‌های بربرمنشانه و فاشیستی نوار غزه در چند روز اخیر ادامه‌ی کشتار و تجاوزیست که بیش از ۶۰ سال ادامه دارد. این آدمکشی اسرائیل بار دیگر نشان می‌دهد که وی هرگز هوادار حتی دولت کوچک مستقل فلسطینی نیست و در پی آن است که همه‌ی سرزمین فلسطین را درسته به بلعد، مردم را کشتار کند، بی‌خانمان نماید، به تاراند، تبعید کند و باقیمانده را در جامعه‌ی یهودی حل نماید. این ایدئولوژی دولت اسرائیل است، ایدئولوژی صهیونیستی، نژاد پرستانه و فاشیستی که راهنمای عمل اوست

تعرض گسترده‌ی اخیر - توسط هواپیماهای شکاری، بمب افکن‌ها و توپخانه‌ی سنگین - تا به حال قریب به ۲۰۰ کشته و ۱۴۰۰ نفر از مردم غزه را مجروح کرده است. آدمکشان و تروریست‌های صهیونیست - بکلی بی‌اعتنا نسبت به اعتراض خلق‌های عرب و خشم مردم در سراسر جهان - غزه را بمباران می‌کنند. صهیونیست‌ها، از سوئی کودکان را به قتل می‌رسانند، آگاهانه زیر بنای حیاتی مردم، پمپ آب و کارخانه‌ی برق و بیمارستان و مدرسه و مناطق مقدس مردم که پناهگاه آنهاست را بمباران و ویران می‌کنند، احساسات انسانی میلیون‌ها نفر را مورد تمسخر قرار می‌دهند، تروریسم دولتی به کار می‌برند و از طرف دیگر - بیش‌رمانه - مدعی‌اند که گویا "مشغول مبارزه علیه تروریسم هستند!" و یا برای حفظ "ارزش‌های دنیای متمدن می‌جنگند!"

ولی این کدام مرجعی است که به این آدمکشان اجازه می‌دهد که با خیال راحت دست به یک چنین اعمالی بزنند؟ چه کسی به آنان یاری می‌دهد، مشوق آنها کیست؟ شورای امنیت سازمان ملل. مجمعی که لفاظی می‌کند، مرتب به جهانیان درس دموکراسی، درس حقوق بشر میدهد! مردم ایران را تحریم اقتصادی می‌کند و در لیبی دخالت مستقیم نظامی کرده است ولی حتی قادر نشد که این وحشیگری دولت صهیونیستی اسرائیل را محکوم نماید. در مقابل - حتی پیش از این که ارتش صهیونیستی اسرائیل توجیهی برای وحشیگری خود بترشد - این سخنگویان غرب امپریالیستی بودند که در کمال وقاحت و حقارت، داستان "جنگ دفاعی" را پیش کشیدند. اسرائیل - دلگرم از سکوت دول بزرگ و قدرتمند امپریالیستی - دریافت که هیچ تدبیر مشخص، هیچ تحریمی برای قطع جنگی که براه انداخته در کار نیست. چون تصمیم گیرنده‌های سازمان ملل، از همین راه‌زنان، همین سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها هستند که تجاوزگران و اشغالگران صهیونیست را در پناه حمایت خود دارند. پیداست که نمی‌توان از این "پهلوانان بشر دوست و تمدن پرور" انتظاری داشت.

ولی فلسطین، استوار و پا برجا - مثل ۶۰ سال گذشته - به مقاومت خود ادامه خواهد داد.

اما خلق‌های عرب و مسلمان خاورمیانه - که می‌خواهند به برادران فلسطینی خود یاری بدهند - لازم است که هر چه زود تر خود را از شر دولت‌های خودی و همدست امپریالیسم، خلاص نمایند. چون نمی‌شود که هم با امپریالیسم آمریکا همدست بود و همزمان با ستمگری اسرائیل در قبال فلسطین در افتاد. باید این حقیقت را هر چه رسا تر فریاد زد.

در نوار غزه، افسانه‌ی شکست ناپذیری صهیونیست‌ها را متلاشی می‌کند و روحیه‌ی نوینی از مقاومت و سلحشوری در میان مردم فلسطین ایجاد می‌گرداند. مبارزه‌ی مردم فلسطین حمایت جهانی خلق‌های جهان را به دنبال دارد. اعتراضات جهانی گسترده آنهم در شرایط بحران مالی سرمایه‌داری ناجی صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها نخواهد بود، بر عکس مبارزه‌ی توده‌های مردم و طبقه‌ی کارگر را تشدید می‌کند. فضا را بر ضد نیروهای دست راستی تغییر می‌دهد و در عین حال نیروهای سازشکار فلسطینی را که با اسرائیل بر ضد مصالح ملت فلسطین مصالحه کرده‌اند، به شدت به انزوا می‌کشاند و راه را برای نفوذ نیروهائی که خواست‌های مردم و آمال ملت فلسطین را بیان می‌کنند باز می‌گرداند.

حزب کار ایران (توفان) تجاوز صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها را به نوار غزه و کشتار مردم فلسطین را محکوم می‌کند.

حزب کار ایران (توفان) این جنایت را ضد بشری دانسته و معتقد است مسئولین آن را باید در یک دادگاه خلقی جهانی به محاکمه کشید.

حزب کار ایران (توفان) از مبارزه‌ی انقلابی مردم فلسطین و آمال آنها برای اخراج اشغالگران صهیونیست حمایت می‌کند.

حزب کار ایران (توفان) از هر جنبش مقاومت یهودیان اسرائیلی بر ضد صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها حمایت می‌کند و آن را شرط ایجاد فضائی به دور از سوء ظن، برای یک زندگی مسالمت آمیز میان همه‌ی مردمان سرزمین فلسطین، مستقل از مذهب، به دور از تجاوز طلبی، نژادپرستی می‌بیند. زمانی که مردم خود سخنگو شوند، سخنان یکدیگر را خواهند فهمید.

قطع فوری محاصره و بمباران وحشیانه‌ی نوار غزه !

زنده باد مبارزه‌ی ملت فلسطین برای رهائی ملی!

نابود باد رژیم صهیونیستی اسرائیل این چماق دست امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه!

زنده باد همبستگی بین‌المللی با ملت فلسطین!

حزب کار ایران (توفان)

سه شنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۱ - ۲۰ نوامبر ۲۰۱۲

www.toufan.org

toufan@toufan.org

شکست مفتضحانه‌ی اسرائیل در بلعیدن "مار سمی"

کسانی که با تاریخ پیدایش فاشیستی رژیم صهیونیستی آشنائی دارند، می‌دانند که حمله‌ی اخیر اسرائیل و بمباران غزه تصادفی نبوده و ربطی هم به موشک پرانی حماس و سازمان برای آزادی فلسطین (یاران جرج حبش...) نداشته است. صهیونیست‌ها از آغاز تأسیس نامیون دولت نژاد پرست اسرائیل آهنگ آن داشتند تا تمام سرزمین فلسطین را درسته بلعند و به بسط و گسترش آن و نیل به اسرائیل بزرگ پردازند. مطابق اسناد موجود "لوی اشکول" نخست وزیر اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ درباره‌ی غزه چنین بیان داشته بود:

« غزه مسئله است. من در سال ۱۹۵۶ آنجا بودم و مارهای سمی را که در خیابان راه می‌رفتند، دیده‌ام. ما باید بخشی از آن‌ها را در شبه جزیره‌ی سینا اسکان دهیم و امیدواریم بخش دیگری هم مهاجرت بکنند.»

بیانات فاشیستی وزیر دفاع اسرائیل نیز در روزهای اخیر مبنی بر "غزه باید در هم کوبیده شود تا در شرایط قرون وسطی قرارگیرد".... همه نشان روشن از این امر است که صهیونیست‌ها هدفشان محو و نابودی همه‌ی فلسطینی‌ها و بلعیدن تمامی سرزمین فلسطین است و موشک پرانی فلسطینی‌ها بهانه است.... اما مقاومت قهرمانانه‌ی ملت فلسطین برای موجودیت خود نیز تحسین برانگیز است و هر بار این هیولای هشت سر را با شکست مواجه می‌سازد. آنها که با اشاره به موشک پرانی جنبش مقاومت فلسطین ایراد می‌گیرند و آن را دلیل بر هجوم وحشیانه به فلسطین و بمباران غزه تحلیل می‌کنند یا نادانند و یا آگاهانه همان جفنگیات رسانه‌های صهیونیستی و امپریالیستی را نشخوار می‌کنند. این عده هنوز نفهمیده‌اند و یا خود را به نفهمی می‌زنند و در مورد مقاومت ملت فلسطین فقط به سازمان حماس که یکی از دهها سازمان و جبهه‌ی مقاومت فلسطین علیه‌ی اسرائیل است اشاره می‌کنند تا با قوت بخشیدن به استدلال خود به نفی مقاومت ملت فلسطین پردازند. حزب ما بارها کوشید تا به مناسبت‌های مختلف دست به ترجمه‌هایی از مطالب سیاسی و ادبیات سازمان برای آزادی فلسطین (جرج حبش) بزند و به افشای نیروهای ارتجاعی پردازد که بی‌توجه به واقعیات سیاسی سرزمین فلسطین و خیانت و ندانم کاری بر طبل جنگ داخلی و نابودی سازمان حماس می‌کوبند و عملاً به آلت دست صهیونیست‌های آدمخوار تبدیل شده‌اند. سازمان برای آزادی فلسطین (جرج حبش، بخش‌هایی از سازمان آزادیبخش فلسطین (نیروهای ملی و سکولار) و بخش‌هایی از سازمان الفتح در این نبرد شرکت دارند و در کنار هم علیه‌ی اسرائیل می‌رزمند. سازمان برای آزادی فلسطین (جرج حبش) کمتر از حماس موشک به قلب دشمن خونخوار و بیرحم و متجاوز پرتاب نکرده و نمی‌کند و آن را حق طبیعی و مشروع ملت فلسطین در دفاع از خود می‌داند. همین امر مقاومت و یگانگی نبرد واحد ملت فلسطین سبب شد تا صهیونیست‌ها در این نبرد به شکست مفتضح آمیزی تن دهند. نبرد عادلانه و قهرمانانه‌ی ملت فلسطین قدر قدرتی رژیم اتمی و استعماری اسرائیل را در هم شکست و این یک پیروزی برای نه تنها ملت فلسطین بلکه برای همه‌ی خلق‌های منطقه و جهان است. به رسمیت شناختن دولت فلسطین به عنوان نماینده‌ی ملت فلسطین و تحریم رژیم صهیونیست و نژادپرست اسرائیل خواست همه‌ی آزادیخواهان جهان است. درود ما به ملت قهرمان فلسطین. ننگ و نفرت بر صهیونیسم و امپریالیسم!

فیسبوک توفان

سخن هفته

پنج شنبه بیست و هفتم نوامبر

انقلاب مصر ادامه دارد. زنده باد انقلاب



ادامه‌ی اعتراض‌ها و جنگ و گریز خیابانی علیه‌ی حکم ارتجاعی قانون اساسی رئیس جمهوری مصر هم چنان ادامه داشته و امروز هم بین تظاهرکنندگان و نیروهای امنیتی در قاهره درگیری و زد و خورد روی داده است. در ششمین روز از تظاهرات علیه‌ی تصمیم اخیر محمد مرسی، مبنی بر افزایش اختیارات ریاست جمهوری، مردم، زنان، جوانان، کارمندان، قضات، بخش‌هایی از کارگران که به نیروهای چپ و دموکرات و ملی و ضد امپریالیست سمپاتی دارند در میدان تحریر قاهره تجمع کردند و عملاً آن را به اشغال خود در آوردند. مردم متحد در میدان تحریر قاهره از ادامه‌ی انقلاب و یا انقلاب دوم سخن می‌گویند.

مردم که متحداً حُسنی مبارک این عنصر خودفروخته را سرنگون کردند خواهان تغییرات بنیادی در جامعه هستند و امروز نیز در مقابل محمد مرسی مرتجع نماینده‌ی اخوان المسلمین صف آرائی کرده‌اند. مردم نمی‌خواهند دیکتاتور دیگری به نام مرسی جای مبارک بنشیند و چون فرعون زمان خون آنها را در شیشه ریزد. آنها (مردم) به خوبی می‌دانند اگر از همین امروز در مقابل ضد انقلاب و دارودسته‌ی محمد مرسی نایستند فردائی دهشتناک تر از دوران حُسنی مبارک در انتظارشان خواهد بود. مبارزه‌ی مردم مصر

برای تحقق نان، آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی است و این تازه آغاز کار است. نقش طبقه کارگر و رهبری حزب مارکسیست لنینیست در این جنبش می تواند پایان نظام سرمایه‌داری، دیکتاتوری و وابستگی به امپریالیسم را رقم زند.

زنده باد انقلاب مصر! مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم!

اطلاعیه‌ی حزب کار ایران (توفان) پیرامون جانبختن ستار بهشتی

مسئول مرگ ستار بهشتی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامیست



طبق گزارشات منتشره، ستار بهشتی کارگر ۳۵ ساله "وبلاگ نویس جوان و از فعالان شبکه‌های اجتماعی" زیر شکنجه‌های بربرمنشانه‌ی مأموران امنیتی رژیم، جانبخته است. مادر ستار بهشتی روز سه‌شنبه ۱۶ آبان در مصاحبه‌ای با سایت "سحام‌نیوز" اظهارداشت:

« از ما خواسته‌اند فردا صبح پس از هماهنگی با مأموران به کهریزک مراجعه کنیم و جنازه را تحویل بگیریم ». عموی ستار حسینی نیز گفته است: « تا امروز هیچ خبری از وی نداشتیم. تا این که امروز دامادمان را احضار کرده‌اند و به وی می گویند که ستار فوت کرده و به مادر و خواهر وی اطلاع دهید. هنگامی که علت فوت را جویا شدیم به ما گفتند خفه شوید و به شما ربطی ندارد. » سایت "بازتاب" نیز در گزارشی با عنوان "درگذشت یک وبلاگ نویس حین بازجویی، نگذارید به سرنوشت پرونده‌ی کهریزک تبدیل شود" نوشته است، درگذشت تأسف بار این جوان که احتمالاً به دلیل قصور یا تقصیر عوامل دخیل در پرونده‌ی وی صورت گرفته است، یادآور خاطرات تلخی نظیر مرگ زهرا کاظمی در زندان اوین، مرگ زهرا بنی یعقوب، پزشکی در همدان، مرگ هاله سحابی و پرونده‌ی کهریزک است که تا کنون، هیچ یک به نتیجه قطعی نرسیده است."

رژیم سرمایه‌داری فاشیستی - مذهبی جمهوری اسلامی از آنجا که بنا بر ماهیتش نمی تواند به خواست‌های دموکراتیک و حقوق عموم مردم و نیروهای سیاسی پاسخ دهد و از دامنه‌ی گسترش این مبارزات، هراسناک است به این جهت تلاش مذبحخانه می کند تا با اعمال خشونت، با سرکوب و به زندان انداختن و شکنجه و قتل و یا تعهدات سنگین مالی از آنها، از تداوم مبارزه ممانعت به عمل آورد. لیکن تا زمانی که ظلم و زور، تبعیضات، فساد، فقر و بی عدالتی، سرکوب و اختناق و بربریت در جامعه حاکم است زمینه‌ی بروز و رشد این جنبش‌ها و اعتراضات نیز اجتناب ناپذیر است و رژیم لرزان و پوسیده‌ی قرون وسطائی را توان مقابله با آن نخواهد بود. قتل ستار بهشتی و بگیر و ببندهای سیاسی که در ایران جریان دارد آخرین دست و پا زدن‌های رژیمی است که در بحران عمیق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به سر می برد و هیچ آینده‌ی روشنی برای بقای خود نمی بیند. رژیمی که تحمل حداقل فعالیت‌های اجتماعی و مدنی آرام مردم را ندارد و از حضور مردم در صحنه‌ی اجتماع به شدت می هراسد و به سرکوب آنها می پردازد، به آخر خطر رسیده و محکوم به فروپاشی است. جمهوری جنایتکار اسلامی که از مردمش بیش از اجانب می ترسد، دیر یا زود در کام امپریالیسم و صهیونیسم فرو خواهد رفت. حزب کار ایران (توفان) ضمن دفاع قاطع از حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و احزاب و سندیکاها و...، رژیم جمهوری اسلامی را مسئول و مسبب مرگ ستار بهشتی می داند و به شدت آن را محکوم می کند. ما از همه‌ی نیروهای مترقی و مردمی و سازمان‌ها و تشکلات بین‌المللی مترقی می خواهیم به جمهوری اسلامی اعتراض کنند و این عمل ضد انسانی و بربرمنشانه را محکوم نمایند.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران!

آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی!

زنده باد آزادی و سوسیالیسم!

حزب کار ایران (توفان)

هیجده آبان ماه ۱۳۹۱ خورشیدی

گزارشی از ایران

چگونه سیاست‌های مخرب جمهوری اسلامی و تحریم‌های امپریالیستی جان کودکان و زنان و مردان بیمار را به مخاطره انداخته است.

همچنان که در گزارش‌های قبلی هم به طور مختصر اشاره کردیم در همه‌ی بیمارستان‌های دولتی و خصوصی و درمانگاه‌ها و مطب‌ها در سراسر ایران بیماران موج می‌زنند. کمبود پزشک عمومی و متخصص و تخت بیمارستانی، فرسودگی بیمارستان‌های دولتی، وضعیت بد خدمات دهی در بیمارستان‌ها، سطح نازل بهداشت و درمان و مراقبت از بیماران، امری است که مردم در ام‌القرای اسلام به آن عادت کرده‌اند. اما به این مصائب بخصوص در ماه‌های اخیر مشکلاتی اضافه شده است که می‌رود تا به فاجعه ختم گردد. برای این که تصویری هر چند محدود ولی واقعی از وضعیت موجود در این عرصه داشته باشید به آمار رسمی اشاره می‌کنم: پرویز دریانی عضو انجمن علمی جراحان عمومی در کنگره‌ی این انجمن اعلام می‌کند: "در ایران سالانه ۲۰۰ هزار نفر به سرطان مبتلا گشته که ۴۰ هزار نفرشان بر اثر ابتلا به این سرطان‌ها می‌میرند." در ایران ۱۲۰ هزار مبتلا به ایدز و ۵۲ هزار بیمار تالاسمی در اشکال مختلف آن و ۱۰ هزار کودک مبتلا به هموفیلی و طبق گزارشی از مجله‌ی سلامت حدود ۳ میلیون نفر مبتلا به نوعی بیماری سخت و صعب‌العلاج هستند.

بیماران مبتلا به هموفیلی، تالاسمی، سرطان، ام‌اس، آی‌ال‌اس و مبتلایان به ناراحتی‌های قلبی و تنفسی و کلیوی (دیالیزی) با مخاطره‌ی بسیار جدی فقدان دارو مواجه هستند. داروهای بیماری‌های صرع و فشار خون و شیر خشک کودکان و حتی نخ جراحی استاندارد و کاغذ استریل و واکسن هم نایاب شده است. در شرایطی که ۶۰ درصد مواد اولیه داروها وارداتی است و سه درصد داروها به طور کامل و بیش از ۵۰ درصد تجهیزات پزشکی و دندانپزشکی و آزمایشگاهی نظیر سی تی اسکن، تجهیزات اتاق عمل، آنژیوگرافی و پالایش خون و آمبولانس از خارج وارد می‌شود، تأثیرات تحریم‌های هوشمندانه‌ی امپریالیستی در این عرصه، زندگی بیماران را، نشانه گرفته است.

فقدان، کمبود و گرانی دارو و تجهیزات پزشکی و دندانپزشکی و آزمایشگاهی و افزایش مخارج درمانی، وضعیت مخاطره آمیزی به وجود آورده است که می‌تواند به فاجعه‌ی انسانی شبیه به وضعیت عراق در زمان اعمال تحریم‌های امپریالیستی منجر شود. این وضعیت محصول یک سری عوامل داخلی و خارجی است که سعی می‌کنیم به صورت مختصر به این عوامل اشاره کنیم.

۱ - عوامل داخلی فقدان، کمبود و گرانی دارو و مخارج درمانی

- الف - ساختار کثیف و ضد انسانی سرمایه‌داری و سیاست‌های نئولیبرالیستی جمهوری اسلامی
- ب - بازار سیاهی که توسط باندهای مافیائی وارد کننده‌ی دارو و تجهیزات پزشکی به وجود آمده
- پ - حذف یارانه‌ها (افزایش مخارج تولید کارخانه‌های دارو سازی)
- ت - افزایش شدید قیمت ارز خارجی
- ث - عدم اختصاص سهم بهداشت از درآمد حذف یارانه‌ها
- ج - عدم اختصاص ارز دولتی به این بخش
- چ - عدم پرداخت بدهی شرکت‌های بیمه به داروخانه‌ها

یکی از پلیدترین ویژگی‌های نظام منحن سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، ضعیف کشی و ارزش قائل نشدن برای زندگی و سلامت و امنیت شغلی و اجتماعی کارگران و زحمتکشان جامعه است. نبود بیمه‌های خدمات اجتماعی و درمانی همگانی زندگی بخش عظیمی از کارگران و زحمتکشان شهر و روستا را در معرض نابودی کامل قرار داده است. کارگر و کشاورز زحمتکشی که مبتلا به سرطان است چگونه می‌تواند برای معالجه‌ی خود هفته‌ای یک آمپول ۳ میلیون و ۹۰۰ هزار تومانی بخرد؟ وضعیت چنان وخیم و غیر انسانی است که حتی صدای وزیر بهداشت هم درآمده و می‌گوید: یک دوره درمان بیماران سرطانی با هرسپتین با قیمت دلار پارسال ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان بود اما حالا همین دوره درمان ۲۰۰ میلیون تومان تمام می‌شود، چند درصد مردم توان پرداخت چنین هزینه‌ای را دارند، اصلاً چند درصد مردم توان پرداخت ۵۰ میلیون تومان یا حتی ۲۰ میلیون تومان را برای دارو دارند؟

شهریاری عضو کمیسیون بهداشت مجلس می‌گوید: مردم هر روز لیست داروهای سرطانی را پیش ما می‌آورند و ما فقط شرمند می‌شویم. اگر یکی از نزدیکان مسئولین، این داروها را بخواهد شاید بتوانید آن را تهیه کنید ولی مردم روستاها که به مسئولین دسترسی ندارند نمی‌توانند این داروها را تأمین کنند. سال گذشته درمان دریچه‌ی میترال قلب ۶۰ میلیون هزینه داشته و حالا ۱۲۰ میلیون شده است."

سیاست نئولیبرالیستی خصوصی سازی تجارت خارجی و حتی واگذاری و واردات دارو و تجهیزات پزشکی و دندانپزشکی و آزمایشگاهی به شرکت‌های تجاری مافیای واردات دارو و تجهیزات پزشکی از عواملی است که باعث به وجود آمدن بازار سیاه دارو شده و عمری به قدمت حیات ننگین جمهوری اسلامی دارد. این شرکت‌ها که با ارز دولتی دارو و تجهیزات بنگل و دست دوم پزشکی وارد می‌کنند و بخشی از آن را وارد بازار سیاه ناصر خسرو کرده و از طریق درد و رنج و مصیبت بیماران به حساب‌های میلیاردی بانک‌هایشان می‌افزایند.

حذف یارانه‌ها و افزایش قیمت برق و آب و بنزین و در کل هزینه‌های تولید و افزایش ۳۰۰ درصدی ارزش ارزهای خارجی نسبت به پول داخلی، بسیاری از کارخانه‌های داروسازی را که باید ۶۰ درصد مواد اولیه‌شان را از خارج وارد کنند، در معرض ورشکستگی قرار داده است.

به گفته‌ی رئیس کمیسیون بهداشت مجلس با افزایش نرخ ارز، هزینه‌ی لوازم مصرفی پزشکی ۲۴۵ درصد، دستگاه دیالیز ۳۲۵ درصد و کیسه‌ی خون ۳۵۰ درصد گران تر شده است. او می‌گوید: "دولت نه تنها سهم بخش بهداشت را از درآمد هدفمندی یارانه‌ها پرداخت نکرده است، بلکه ارز مرجع کافی نیز برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی اختصاص نداده است.

مرضیه وحید دستجردی وزیر بهداشت می‌گوید: "تامین دارو، جزو بدیهی‌ترین و حیاتی‌ترین وظایف هر دولتی است ولی اینجا شاهدیم که حتی ارز مورد نیاز دارو را هم نمی‌دهند تا دارو وارد شود و مردم با پول خود، آن را بخرند. ما هم نمی‌دانیم ارز دارو را کجا برده‌اند؟ و وقتی به جای ۲/۵ میلیارد دلار، تنها ۶۰۰ میلیون دلار برای دارو اختصاص می‌دهند، تحریم هم نباشیم، کسی به ما داروی رایگان نمی‌دهد".

شرکت‌های بیمه از پرداخت هزینه‌ی بیماران سرطانی و بیمارانی که هزینه‌ی درمانشان بالاست خودداری می‌کنند. رضا رضائی، مدیر بودجه و اعتبارات معاونت درمان وزارت بهداشت می‌گوید: "هزینه‌ی درمان بیماران سرطانی بالاست و با این که رئیس جمهور دستور داد ۲۰۰ قلم داروی جدید تحت پوشش بیمه قرار بگیرد و دستکم ۵۰ قلم از این داروها مربوط به درمان سرطان بود، اما هنوز شرکت‌های بیمه از تحت پوشش قرار دادن این داروها شانه خالی می‌کنند.

دفترچه‌های بیمه تبدیل شده به مشتی کاغذ بی مصرف که در مواقع ضروری، نمی‌توان از آن استفاده‌ای کرد. سهم سلامت ایرانی‌ها از محل درآمد ناخالص ملی کمتر از ۱۳ هزار تومان است که حتی پائین تر از بسیاری کشورهای فقیر است. این سرانه‌ی پائین باعث افزایش هزینه‌های درمان از جیب مردم شده است. با وجودی که در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه تأکید شده بود که سهم مردم از پرداخت هزینه‌ی سلامت به زیر ۳۰ درصد برسد با این حال سهم مردم به ۷۰ درصد رسیده است.

۲ - عامل خارجی (تحریم‌های امپریالیستی)

همچنان که در آغاز گزارش اشاره شد ۶۰ درصد مواد اولیه‌ی مورد نیاز کارخانه‌های داروسازی و ۳ درصد داروها که اکثراً مربوط به بیماری‌های سخت و صعب‌العلاج هستند از خارج وارد می‌شود که با توجه به تحریم بانک‌ها و مبادلات مالی، این گونه واردات با مشکل مواجه شده است. علیرغم ادعای آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا مبنی بر این که هدف از تحریم‌ها عقب نشان دادن دولت ایران از برنامه‌ی هسته‌ایش است و تحریم دارویی و غذایی را شامل نمی‌شود ولی عملاً مردم ایران و بیماران را گروگان اهداف شوم خود قرار داده‌اند.

خبرگزاری رویترز در فروردین ماه سال جاری یعنی هشت ماه قبل در گزارشی نوشت: "شرکت‌های آمریکایی از شرکت عظیم داروسازی (مِرک اند گو) گرفته تا شرکت‌های کوچک تولید پوشک، برای دریافت بدهی خود از بازرگانان ایرانی بابت فروش اقلام دارویی و دیگر کالاهای ضروری بشر دوستانه با مشکل مواجه شده‌اند". همین خبر گزارشی در گزارش دیگری از کاهش فروش کالاهای پزشکی و دارویی از ۲۶/۷ میلیون دلار در سال گذشته به ۱۴/۹ میلیون دلار خبر می‌دهد. صادرات خمیر کاغذ و ضایعات کاغذ که شامل مواد خام برای تولید پوشک است نیز از ۴۰/۹ میلیون دلار به ۱۷/۴ میلیون دلار افت کرده است. رویترز در این گزارش تصریح می‌کند: "اگرچه ایران هنوز می‌تواند چنین کالاهایی را از آمریکا وارد کند اما تحریم‌های مالی آمریکا که انجام مبادلات مالی را با مؤسسات مالی ایران ممنوع ساخته، فعالیت شرکت‌های آمریکایی را دشوار ساخته است".

کیت گولد از کمیته‌ی دوستان مجلس به رویترز می‌گوید: "مجوز وزارت دارایی آمریکا برای داروهای ضد سرطان، برای بیماران ایرانی که به دلیل تحریم‌های آمریکا علیه مؤسسات مالی به این داروها نمی‌توانند دسترسی داشته باشند، هیچ ارزشی ندارد". بان کی مون دبیر کل بی‌خاصیت سازمان ملل نیز در این مورد می‌گوید: "حتی شرکت‌هایی که مجوز لازم برای صادرات غذا و دارو به ایران را دریافت کرده‌اند، برای یافتن بانک‌های واسطه به منظور نقل و انتقالات مالی با مشکل مواجه هستند. به همین دلیل داروها برای درمان بیماری‌های مختلف کمیاب شده‌اند، از جمله داروهایی مانند داروهای ضد سرطان قلبی و تنفسی.

برای یاد آوری چهره‌ی واقعی و پلید امپریالیسم شاید بد نباشد به فیلم مصاحبه‌ی مادالین آلبرایت وزیر امور خارجه‌ی بیل کلینتون که هنوز هم در یوتوب هست نظری بیاندازیم. او در جواب خبرنگاری که از او سؤال می‌کند تحریم عراق در زمان صدام باعث مرگ نیم میلیون کودک شد یعنی بیش از تلفات حمله‌ی اتمی هیروشیما، آیا این همه تلفات ارزشش را داشت؟ مادالین آلبرایت می‌گوید: "این انتخاب دشواری است. ولی من فکر می‌کنم می‌ارزید."

متن سخنرانی رفیق، نماینده‌ی حزب کار ایران (توفان) در اجلاس وسیع سازمان‌ها و احزاب انقلابی در استانبول

در اواخر ماه اکتبر ۲۰۱۲ نشست مرکب از ۲۱ سازمان و حزب سیاسی ضد امپریالیستی، کمونیست و مترقی در استانبول تشکیل شد و در مورد اوضاع خاورمیانه به بحث و گفتگو پرداختند. پیام زیر توسط رفیق نماینده‌ی حزب به چند زبان ترجمه، به سمع حضار رسید و مورد استقبال آنها قرار گرفت. گزارش مشروح این نشست در شماره‌ی آینده‌ی توفان الکترونیکی منتشر خواهد شد.

علل تحریم‌های اقتصادی و تهدیدات نظامی به ایران توسط امپریالیست آمریکا و متحدانش چیست؟

رفقای گرامی

یکی از تضادهای اساسی جهان که در تحولات جهانی نقش داشته و در آنها مؤثر است، تضاد میان امپریالیسم و خلق‌های جهان است. امپریالیسم برای توسعه‌ی مناطق نفوذ خویش به هر وسیله‌ای دست می‌زند و سعی می‌کند ابزار عملی و ذهنی آن را فراهم آورد. امپریالیسم به بازار فروش برای کالاها، خویش نیاز دارد، امپریالیسم به دستمزد ارزان برای تولید کالای خویش نیاز دارد، امپریالیسم برای تولید کالاها، خویش به مواد اولیه نیاز دارد که در ممالک دیگر در زیر خروارها خاک نهفته است. امپریالیسم برای تحقق این خواست‌های خویش که خود بخود به انجام نمی‌رسد به حکومت‌های دست‌نشانده در ممالک جهان که تنها به ساز امپریالیست‌ها برقصند نیاز دارد، آنها نیاز دارند که برای حفظ طعمه‌ی خویش رقبا را از میدان بدر کنند و همه‌ی طعمه را خود شخصاً تناول نمایند و زمینه‌ای ایجاد کنند که این وضعیت به نفع آنها در جهان حفظ شود.

یکی از قطعی‌ترین مسائلی که امروز در جهان مطرح است، مسئله‌ی انرژی فسیلی و هسته‌ای است. با کاهش منابع فسیلی در جهان و با نیاز کشورهای رو به توسعه نظیر چین، هندوستان و برزیل به انرژی، وضعیتی در جهان ایجاد شده است که تسلط به منابع انرژی برای امپریالیست‌ها را به یک امر بود و نبود تبدیل کرده است. امپریالیسم آمریکا از زمان تولید نفت و تجارت آن توسط آقای راکفلر برای سوخت در چراغ‌های نفتی گرد سوز با لوله لامپا تحت نام چراغ‌های "استاندارد" شرکت نفتی "استاندارد اوپل کمپانی" را بنیانگذاری کرد و با تولید اتومبیل و روشن شدن اهمیت نفت در جنگ جهانی اول با سفر پرزیدنت روزولت به عربستان سعودی به بزرگ‌ترین منابع نفت جهان دست یافت. از همان تاریخ جنگ پنهانی بر سر تسلط بر منابع انرژی میان آمریکا و انگلستان در جهان و به ویژه در خاورمیانه در گرفت. ایران، عراق، کویت و ... به منطقه‌ی نفوذ انگلیس بدل شدند و عربستان سعودی در خدمت آمریکا ماند. مبارزه بر سر کسب این ماده‌ی حیاتی روز بروز بیشتر تشدید می‌شود و امروز به نقطه‌ی اوج خود رسیده است. دامن زدن به جنگ مسلمان و مسیحی در آفریقا تا مناطق نفت خیز را از زیر نفوذ مسلمان‌ها خارج کرده و با تجزیه‌ی ممالک آنها و تضعیف حکومت‌های مرکزی و ایجاد نفاق به منابع اولیه آنها دست پیدا کنند، در سودان، نیجریه، سومالی، کنیا و مالی و سایر ممالک آفریقایی به خوبی مشهود است. در همین رابطه زمینه‌ی ذهنی توجیه تجاوزات را به کشورهای اسلامی فراهم می‌آورند و مسئله‌ی حجاب زنان و یا عدم تساوی حقوق زنان و مردان در ممالک اسلامی را که ۱۴۰۰ سال وجود داشته است به مسئله‌ی روز و سیاست تبلیغاتی خود بدل می‌کنند. قرآن می‌سوزانند و از محمد کاریکاتور می‌کشند و اسلام ستیزی را رواج می‌دهند، از مسلمانان به عنوان آدم‌های تروریست، خطرناک، مردسالار، زن ستیز، ضد کودک و ... نام می‌برند. به یکباره جنبش لختی‌ها راه می‌اندازند تا ثابت کنند خودشان مترقی‌اند و مسلمان‌ها که لخت نمی‌شوند ارتجاعی‌اند، در حالی که ماهیت امر در این است که این عده می‌خواهند هم زنان و هم مردان ممالک نفت خیز مسلمان را لخت کنند. همه‌ی این کارها و تبلیغات سازمان یافته برای آن است تا در افکار عمومی زمینه‌ی تجاوز به کشورهای نفت خیز مسلمان فراهم شود. شما اگر لحظه‌ای به نقش اپوزیسیون خود فروخته‌ی ایران نگاه کنید بخشی از وظایفی که سازمان "سیا" آمریکا به عهده آنها گذارده است، به عهده گرفته‌اند. اسلام ستیزی آنها ایجاد زمینه سازی برای تجاوز به کشورهای مسلمان است تا به مردم ممالک خود چنین تفهیم کنند که این وحشی‌ها شایسته‌ی داشتن و نگهداری منابع انرژی نیستند و حضورشان زندگی ما را به خطر می‌اندازند و آسایش و رفاه ما را که ناشی از وجود انرژی است تهدید می‌کنند، زیرا می‌خواهند آنچه را که حق طبیعی!! ما و منبع آسایش ماست، تصاحب کنند. کم کم امپریالیست‌ها مالک منابع نفتی ما می‌شوند و ملت‌های ما، کسانی محسوب می‌گردند که گویا می‌خواهند با توحش جلوی پیشرفت تمدن را بگیرند. با همین منظور بود که یکی از سیاستمداران آمریکایی به کنایه گفت: "نفت آمریکا به اشتباه در زیر خاک عربستان سعودی قرار گرفته است". این سخنان صمیمانه، نشان می‌دهد که امپریالیست آمریکا مترصد آن است که در صورت کمبود نفتش، خاک عربستان سعودی را اشغال کند. منابع نفتی عربستان سعودی اکثراً در مناطق شیعه نشین قرار دارد و شیعیان در زیر نفوذ جمهوری اسلامی ایران هستند. این نفوذ نه تنها از نظر مذهبی است، بلکه با تهدیدهای ایران علیه اسرائیل و آمریکا در منطقه، با حمایت ایران از مردم فلسطین و لبنان از نظر سیاسی نیز بسیار بُرد داشته و برای جمهوری اسلامی ایران محبوبیت خلق می‌کند. این است که تبلیغات ضد اسلامی و نه ضد ادیان به طور کلی، توسط عمال امپریالیست‌ها در جهان را باید در متن سیاست عمومی امپریالیست‌ها برای تصاحب نفت جهان و زمینه سازی توجیه گرانه‌ی ذهنی این تجاوز ارزیابی کرد. آنجا که پای مسلمان و مسیحی در میان نیست، مانند لیبی به اپوزیسیون سازی تقلبی دست زده و قبیله گرائی و دموکراسی و حقوق بشر و حمایت از مردم غیرنظامی... را تشویق می‌کنند تا با بمباران مردم غیر نظامی و ایجاد عدم امنیت و تجزیه‌ی کشورهای به منابع نفتی آنها دست پیدا کنند. در عراق به کردها و شیعیان بر ضد سنی‌ها تکیه کردند تا نفت عراق را از چنگ روس‌ها و چینی‌ها به در آورده، میان خودشان تقسیم کنند. در آذربایجان شیعه، تهدید روسیه و ارمنستان و ایران و ترک زبانی را وسیله‌ی دخالت خود و ترکیه در آنجا نمودند تا جای پای مهمی در آنجا کسب کنند و نفتش را غارت کنند. هم اکنون نفت خلیج فارس به جز ایران در دست امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس و تا حدودی فرانسه است. ایران تنها کشوری در منطقه است که امپریالیست‌ها موفق نشده‌اند زمام امور سیاسی آن را به کف آورند. برعکس در اثر نفوذ ایران در عراق شیعه مذهب و در عربستان سعودی در بخش شیعه نشین و بحرین و یمن و لبنان و ... وضعیتی ایجاد شده است که منافع راهبردی امپریالیست‌ها در منطقه در خطر است. مبارزه با مذهب شیعه بوی نفت و خون می‌دهد. تسلط بر چاه‌های نفت ایران از طریق یک رژیم دست‌نشانده، جنایتکار و مستبد در ایران، گلوگاه اروپا و چین و هندوستان را به دست امپریالیست آمریکا داده که می‌تواند از طریق تعیین خودسرانه‌ی بهای نفت به جنگ روسیه‌ای برود که هم اکنون قدرت نظامی و اقتصادی را مدیون به حراج گذاردن منابع نفتی‌اش است.

در مناطقی که از جنگ شیعه و سنی و قبیله‌ای خبری نیست، مسئله‌ی قوم‌گرایی را مطرح می‌کنند و در پی تجزیه‌ی این کشور بر می‌آیند. امپریالیست‌ها هرگز دلشان برای اجرای حقوق بشر و یا احترام به حقوق ملل در ایران نسوخته است. ولی در حال حاضر به یادشان آمده که در ایران ملت‌های گوناگون وجود دارند که حقوقشان از طرف "فارس‌ها مورد تهدید" قرار گرفته است. به یکباره در همه‌ی قطعه‌نامه‌های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نه تنها از نقض حقوق بشر در ایران سخن می‌رود، از نقض حقوق اقلیت‌ها و مذاهب نیز سخن به میان می‌آید. به یکباره امپریالیست‌ها خواهان حق تعیین سرنوشت به دست خودشان در ممالک دیگر شده‌اند. همدستی کرده‌های ناسیونال شوونیست با امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها و رژیم طالبانی و بارزانی در عراق، که تازگی ندارد و ده‌ها سال است ادامه دارد و همدستی ناسیونال شوونیست‌های آذری با دولت ترکیه و جمهوری آذربایجان و دادن امکانات مالی و تجهیزاتی به آنها، همه و همه در خدمت تجزیه‌ی ایران با تکیه بر امپریالیسم و صهیونیسم برای تسلط به چاه‌های نفت ایران است و نه برای تحقق حقوق دموکراتیک ملل و رفع ستم ملی از آنها، در دنیای امروز رفع ستم ملی تنها می‌تواند در مبارزه با امپریالیسم و در راه تحقق جامعه‌ی بی طبقه تحقق یابد، در غیر این صورت قبول رقیب امپریالیست‌ها توسط ممالکی است که به صورت "لقمه‌های ریز و چرب" در آمده‌اند. بهترین نمونه هم اکنون مستعمرات به ظاهر مستقل کشورهای سابق یوگسلاوی است که حتی قادر نیستند بودجه‌ی خود را تأمین کنند. راستی این اپوزیسیون مصلحت‌گرای ایران کجا بود، در موقعی که احزاب خود فروخته‌ی گرد به پای بوسی جرج بوش و طالبانی و بارزانی رفته بودند و با آنها همکاری می‌کردند و خواهان تجاوز امپریالیست‌ها به ایران بودند؟ این اپوزیسیون یادش رفته که برای حفظ وحدت در مقابل جمهوری اسلامی با آنها جبهه‌ی مشترک تشکیل داده بود.

هر چه بیشتر کشور چین توسعه می‌یابد و همراه با هند و برزیل به مواد خام بیشتر نیاز پیدا می‌کند، تضادها بر سر کسب مناطق نفوذ تشدید می‌گردد. حمایت چین از ایران و یا روسیه از ایران را باید در کادر تأمین منافع خود آنها دید. اگر وضعیت منطقه طوری بگردد که دست آمریکا در ایران و خلیج فارس باز گردد و رژیمی در ایران سر کار بیاید که مانند محمد رضا شاه گماشته‌ی آمریکا باشد، آن وقت منافع ملی چین و روسیه نیز برای تأمین انرژی و یا درآمد ملی به خطر می‌افتد. آن وقت اروپا نمی‌تواند با پول بی اعتبار خود به نام یورو از آمریکا نفت بخرد. اروپا باید نفت خود را با ارز "معتبر" دلار بپردازد، که این وابستگی کامل اروپا به آمریکا است. حمایت چین و روسیه از ایران نه به خاطر آن است که گویا ایران مستعمره‌ی چین و روسیه شده است، بلکه به خاطر آن است که از دست رفتن مهره‌ی مهمی مانند ایران در معادلات منطقه، خطر بزرگی برای منافع این ممالک است و توازن قوا را در سطح جهانی به شدت تغییر می‌دهد. البته همدستان امپریالیست‌ها و صهیونیسم در متن سیاست عام امپریالیست‌ها در منطقه، همیشه همین شایعه را تبلیغ می‌کنند و همه را برای مبارزه علیه چین و روسیه تحریک و ترغیب می‌نمایند، در حالی که استقلال ایران از جانب آنها نیست که مورد تهدید واقع می‌شود، از جانب بخش مهمی از امپریالیست‌های غرب و صهیونیسم است که برای تسلط بر چاه‌های نفت و ممانعت از دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای مورد تهدید است.

این که امپریالیست‌ها مخالف آن هستند که ایران به انرژی هسته‌ای و صنایع پیشرفته دست پیدا کند، این خطر را برای آنها دارد که ایران با دست یافتن به فناوری مدرن و خودکفائی داخلی، دست بازتری در تعیین بهای نفت و مقدار استخراج و عرضه‌ی نفت به بازار و نیاز کمتری به کسب ارز خارجی داشته باشد. تأمین انرژی از طریق هسته‌ای، تلاش در جهت خودکفائی، طبیعتاً به کاهش فروش نفت در عرصه‌ی داخلی منجر می‌شود و نفت ایران را برای نسل‌های بعدی ایران به خاطر استفاده در امور پتروشیمی حفظ خواهد کرد. دستیابی به این فناوری دست ایران را در کاهش و یا افزایش و تعیین بهای نفت باز می‌گذارد و آینده‌ی نسل‌های آتی ایران را تأمین می‌کند. این عمل با سیاست عمومی امپریالیسم در ایران منطبق نیست. ایران مستقل از انرژی نفت، به طوری که بتواند خودش اورانیوم خودش را غنی سازد و انرژی هسته‌ای را در منطقه به فروش برساند و صاحب ارز خارجی گردد، مغایر سیاست امپریالیستی برای به زیر سلطه کشیدن کشورهای منطقه است و منجر به کاهش تولید نفت و افزایش بهای آن به صورت سرسام آور است. افزایش بهای نفت، ممالک امپریالیستی را دچار اختلال در تولید می‌کند، زیرا کالاهای آنها امکان رقابت با کالاهای چینی را که در بدترین شرایط استثماری به صورت ارزان قیمت تهیه می‌شوند، ندارند. برای امپریالیست آمریکا تسلط بر منطقه و ایران یک امر حیاتی است.

رفقای گرامی

آنچه امروز در سوریه جریان دارد انقلاب نیست، ضد انقلاب است. اپوزیسیون شورای ملی و ارتش آزاد سوریه" که همه جانبه مورد حمایت مادی و معنوی امپریالیست جنایتکار آمریکا و ممالک ارتجاعی عربی و رژیم ترکیه قرار می‌گیرد با خواسته‌های رژیم صهیونیستی اسرائیل نیز تطابق دارد. استعمارگران می‌خواهند حکومت سوریه را از درون متلاشی... سازند، زیرا این تلاشی در جهت مصلحت اسرائیل است که با خالی شدن پشت جبهه‌ی ایران تجاوز نظامی به کشور ما سهل تر متحقق گردد. دولت‌های غربی به ویژه آمریکا در جهت این مصلحت حرکت می‌کنند و نه در جهت برقراری آزادی و دموکراسی که مردم سوریه مستحق آن هستند. نیویورک تایمز ۲۱ ژوئن خبر داد که افسران سازمان جاسوسی آمریکا در جنوب ترکیه به سازماندهی فراریان و خود فروختگان سوری می‌پردازند و عربستان سعودی نیز حقوق ماهیانه‌ی "ارتش آزاد سوریه" را تأمین می‌کند. حزب ما تجاوز نظامی ترکیه به سوریه که مقدمه‌ای است برای تجاوز مسقیم ناتو به این کشور، قویا محکوم می‌کند. حزب ما بارها تحلیل کرده است، امپریالیست‌ها در پی آن هستند که رژیم گماشته‌ی نظیر رژیم لیبی را که گوش به فرمان آمریکا باشد بر مسند قدرت بنشانند. سیاست راهبری امپریالیست آمریکا هژمونی بلامنازع در منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس و کنترل کامل منابع نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی است. "شورای ملی سوریه و ارتش آزاد آن" وسیله‌ایست در دست امپریالیست‌ها برای تحقق چنین هدف ارتجاعی.

رفقای عزیز، همان طور که بیان داشته‌ایم ایران کلید منطقه و گره‌گاه تضادهای جهان است. کنترل بر ایران کنترل بر یک منطقه‌ی مهم راهبردی در جغرافیای سیاسی جهان بوده و غارت منابع بزرگ انرژی را برای ده‌ها سال آینده برای امپریالیست آمریکا تأمین می‌کند. تنگه‌ی هرمز شیر نفت جهان است که آن وقت با اراده‌ی امپریالیست آمریکا باز و بسته می‌شود. حضور آمریکا و سایر امپریالیست‌ها در منطقه، خطری برای امنیت جهان است و امنیت مردم منطقه را تهدید می‌کند. مسئله‌ی بمب اتمی موهومی ایران تنها یک دروغ توجیهی برای تسلط بر منطقه است و سازش جمهوری اسلامی با امپریالیست‌ها از ماهیت اهداف اشغالگرانه و تجاوزکارانه‌ی آنها هرگز نخواهد کاست.

حزب کار ایران (توفان) تحریم‌های جنایتکارانه‌ی اقتصادی علیه‌ی ایران را بر ضد مردم ایران، یک کشتار ضد بشری ارزیابی می‌کند و مسئولیت مستقیم فجایعی که در ایران بروز خواهد کرد را به گردن امپریالیست‌ها و در رأسشان امپریالیست آمریکا می‌گذارد. حزب ما این اقدامات را قویاً جنگ افروزانه، ضد بشری و غیر قانونی دانسته، آنها را محکوم می‌کند.

حزب ما با صدور بیانیه‌های متعدد، همه‌ی مردم و گروه‌ها و سازمان‌های دموکرات، مترقی و ضد امپریالیست ایران را بر ضد تحریم‌های اقتصادی و جنگ افروزی امپریالیست‌ها فراخوانده است تا در مقابل زورگویی‌ها و تهدیدات نظامی بایستند.

حزب کار ایران (توفان) رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را یک رژیم ارتجاعی و سرکوبگر می‌داند که مورد نفرت اکثریت مردم ایران قرار دارد، ولی سرنگونی این رژیم فاسد و جنایتکار وظیفه‌ی مردم ایران است و نه قوای متجاوز بیگانه که تنها منافع غارتگرانه‌ی خویش را در نظر داشته و با هدف مستعمره کردن ایران به کشور ما حمله خواهد کرد. امپریالیست‌ها هرگز حامی آزادی و دموکراسی و حقوق بشر نبوده‌اند. ریاکاری بر پیشانی آنها نوشته است. حزب ما معتقد است مبارزه‌ی ضد امپریالیستی از مبارزه برای حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی جدا نیست و رژیم جمهوری اسلامی که ایران را به زندان کارگران و زحمتکشان و عموم مردم شریف ایران تبدیل کرده است، از مردم ایران بیش از دشمنان خارجی می‌ترسد و حاضر است برای بقای منحوسش هر امتیازی را به امپریالیست‌ها بدهد تا بر مسند قدرت باقی بماند. حزب ما با هوشیاری تمام ضمن افشای توطئه‌ی امپریالیست‌ها و محکوم کردن تحریم اقتصادی و هر نوع تهدیدی نظامی به ایران اقدامات سرکوبگرانه‌ی رژیم جمهوری اسلامی را محکوم و از حقوق دموکراتیک کارگران و زحمتکشان و عموم مردم تحت ستم ایران قاطعانه حمایت می‌نماید و از هیچ کوششی در سازماندهی مردم برای تحقق حقوق حقه‌اشان و مبارزه علیه‌ی اجانب دریغ نمی‌ورزد.

* * * * *

در حاشیه‌ی انتخابات آمریکا و پیروزی باراک اوباما در باب دیکتاتوری و دموکراسی

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با پیروزی باراک اوباما به پایان رسید جالب توجه است طبق گزارشات رسمی برخی از رسانه‌های آمریکا بخش بسیار بزرگی (بیش از ۶۰٪) از واجدین شرایط، در انتخابات شرکت نکردند و کلاً تعداد شرکت کنندگان به مراتب از دور گذشته کمتر بوده است. به تصوراً تعداد واجدین شرایط که در انتخابات آمریکا شرکت نکرده‌اند بیش از اینهاست و این پدیده‌ی عجیبی نمی‌باشد. اقلیتی ناچیز "آزاد" است بین دو کاندیدای صاحب زر و زور، یکی را برگزیند و به وظیفه‌ی شهروندی‌اش عمل کند تا شاید فرجی شود.

ایدئولوگ‌های بورژوازی در پاسخ به این پرسش که دموکراسی به معنای قدرت خلق و حکومت مردم بر مردم است و نه حاکمیت ده در صد اهالی بر نود درصد مردم، به شما خواهند گفت که این عین دموکراسی است و از نوع بهترین آنهاست و نپذیرفتن آن به معنای عدم اعتقاد به دموکراسی است.

این نظر که دیکتاتوری و دموکراسی ناقض یکدیگرند و یکدیگر را نفی می‌کنند نادرست است. زیرا در عالم علم اجتماعی و طبقاتی این دو مقوله از هم جدائی ناپذیرند.

در دولت‌های بورژوازی، فی‌المثل منظم‌اً انتخابات پارلمانی صورت می‌گیرد، دولت در برابر مجلس نمایندگان مسئول است و غیره. اما این دموکراسی که در عمل، اعمال حاکمیت یک اقلیت اجتماع بر اکثریت جامعه است، فقط در زمانی و جایی تحقق می‌پذیرد که بورژوازی در استثمار خود با مقاومتی روبرو نگردد. اما همین که کارگران و دیگر زحمتکشان به منافع طبقاتی خود پی برند و برای تأمین آن به پیکار برخیزند، آن‌گاه دولت بورژوازی سیمای دیگر خود، سیمای دیکتاتوری عریان خود را نشان می‌دهد.

بدیهیست برای طبقه‌ی بورژوازی، دموکراسی هیچگاه نفی نمی‌شود. در اینجا دیکتاتوری و دموکراسی همراه با هم پیش می‌روند: دموکراسی نسبت به طبقه‌ی مسلط اقتصادی، سیاسی، سرمایه‌داری و دیکتاتوری در قبال کارگران و زحمتکشان. به طور کلی در تمام نظام‌های سرمایه‌داری دولت نسبت به بعضی طبقات به شیوه‌ی دیکتاتوری عمل می‌کند و نسبت به برخی به شیوه‌ی دموکراتیک. نمونه‌ی دموکراسی‌های غربی به رغم تطورات و اشکال متنوع، اما در اساس اعمال حاکمیت یک طبقه، طبقه‌ی صاحب قدرت و مالکیت بر سایر طبقات فاقد مالکیت؛ استثمارشونده است. در آمریکا شما رسماً حق انتخاب شدن به مقام ریاست جمهوری را دارید به شرط این که صاحب ۵۰۰ میلیون دلار پشتوانه‌ی مالی باشید تا بتوانید در شوهای انتخاباتی شرکت کنید و در نهایت به عنوان مجری سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و نظامی طبقه‌ی بورژوازی عمل کنید..... چنین است ماهیت دموکراسی بورژوازی پارلمانی.

فیسبوک توفان

سخن هفته

جمعه نهم نوامبر

اجازه ندهیم تراژدی به قدرت رسیدن رژیم اسلامی تکرار شود رفتن رژیم خود به خود دردی را دوا نمی کند.

چند تن از خوانندگان عزیز نشریات توفان سئوالات مهمی را مسئولانه و توأم با نگرانی در مورد ایران طرح کرده و خواهان پاسخ شدند. ابتدا باید از این دوستان تشکر کنیم که با مطالعه نشریات توفان، با احساس مسئولیت سؤال طرح می کنند و فعالانه خواهان بحث و گفتگو و باز شدن مسائل سیاسی می باشند.

این دوستان می نویسند: "نخست این که باید هوشیار بود و همه چیز را فقط در سرنگونی رژیم ندید که گویا بعد از پاشیدن رژیم همهی نابسامانی ها برطرف می گردد. مثلاً دیدیم با سرنگونی شاه همه چیز درست نشد. دوم این که چرا این همه گروه و سازمان با یکدیگر وحدت نمی کنند و حزب کار ایران چه پاسخ و راه حلی برای این معضل دارد...".

دوستان و رفقای گرامی! همان طور که بارها در نشریات توفان تحلیل کرده و تأکید داشته ایم، حزب ما بر این نظر است که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی خود به خود منجر به استقرار آزادی و عدالت اجتماعی و رفع نابرابری ها و معضلات جاری در میهنمان نخواهد شد. ماهیت رهبری سیاسی یک انقلاب و هر تحول اجتماعی حرف اول را خواهد زد و تعیین کننده است. انقلاب عظیم و مردمی بهمن ۵۷ به دلیل ماهیت ارتجاعی و عقب مانده نیروی رهبری کننده سیاسی اش در نیمه راه متوقف گردید و شکست خورد. امروز جمهوری اسلامی سد راه تکامل جامعه ایران است و خواسته های دموکراتیک مردم از انقلاب مشروطه و بهمن هنوز متحقق نگردیده اند. این مطالبات فقط شامل جدائی دین از دولت و یا مسئلهی حجاب و حقوق مدنی نیست. انقلاب آتی مردم ایران باید علاوه بر پاسخ گویی به آزادی بیان و احزاب و اجتماعات و برابری زن و مرد در جهت استقرار عدالت اجتماعی نیز خیز بردارد. این مبارزه حتماً باید جهت گیری ضد سرمایه داری داشته باشد تا بتوان به نان، مسکن و کار که مهم ترین مطالبات معیشتی مردم هستند، پاسخ گوید. از طرفی هر انقلاب دموکراتیک و مردمی و عدالتخواهانه باید جهت گیری ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ضد استعماری نیز داشته باشد و با اتکا به نیروی خود برای نظامی آزاد و دموکراتیک و شکوفان گام بردارد. به باور ما تمام نیروهائی که موافق سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی هستند و از طرفی در مقابل امپریالیسم و نیروهای استعماری موضع روشن دارند می توانند در عرصه های متنوع دموکراتیک با یکدیگر همکاری کنند و در جهت تحقق خواسته های مردم و در نهایت یک آلترناتیو دموکراتیک مردمی گام بردارند. ولی چاره ی درد نهائی کارگران و زحمتکشان ایران، این نیست که با استقرار یک حکومت دموکراتیک بورژوائی بتوان به مسئلهی اختلافات طبقاتی و بهره کشی فرد از فرد که از مناسبات سرمایه داری و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید بر می خیزد، پاسخ داد. برای پاسخ به درد و رنج نهائی جامعه باید مناسبات سوسیالیستی را جایگزین مناسبات سرمایه داری کرد. به عبارت دیگر دموکراسی سوسیالیستی را به جای دموکراسی بورژوائی نشانند و این چیزی جز استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، دموکراسی برای اکثریت جامعه معنا نمی دهد. برای تحقق چنین امری به حزب طبقه ی کارگر مسلح به ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی لازم است. چنین حزبی نمی تواند همانند یک جبهه ی پرولاریستی که متشکل از دستجات مختلف با منافع گوناگون است عمل کند. در این حزب جایی برای فراکسیون نیست، زیرا حزب طبقه ی کارگر با اراده ی واحد عمل می کند. استقلال طبقاتی حزب و پرچم لنینیسم هویت چنین حزبی است. تنها با چنین حزبی است که می توان با انقلاب سوسیالیستی به سوی استقرار جامعه ی سوسیالیستی، فاز نخست جامعه ی کمونیستی رهنمون شد. حزب ما در عین حال که برای خواسته های دموکراتیک می رزمند و به اتحاد عمل با نیروهای مستقل و دموکرات و میهن دوست و ضد امپریالیست می پردازد، اما کمونیست ها را به دعوت برای وحدت در سنگر واحد حزب لنینی که علیه رویزیونیسم کهن و مدرن موضع روشن دارند، به انقلاب کبیر شوروی و سی سال ساختمان سوسیالیسم به رهبری رفیق استالین و دست آورده های تاریخی اش باوردارند... فراخوانده است و تأکید کرده که راه خروج از سردرگمی کنونی تکیه به لنینیسم است و فقط با برافراشتن این پرچم است که می توان تمامی مدعیان سوسیالیسم را مورد محک قرار داد، سره از ناسره را از هم تمیز داد و با مبارزه ی شفاف و بی تزلزل و منطقی به عنوان پیشقراول طبقه ی کارگر به وظیفه ی تاریخی خود پاسخ گوید. ما در این راه سهمگین و پر سنگ و لایخ و پیچیده ی طبقاتی که دشمنان رنگارنگ کمونیسم و با پشتوانه مالی و معنوی جهان سرمایه داری و امپریالیستی کمین کرده اند و با پاشاندن تخم یأس و ناامیدی جولان می دهند، دست همه ی رفقای کمونیست و دلسوز را که به لنینیسم وفادارند می فشاریم و خواهان همکاری صمیمانه با آنها هستیم.

به امید سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار آزادی و سوسیالیسم در ایران، دستتان رابه گرمی می فشاریم.

گشت و گذاری در فیسبوک

گلچینی از مطالب متنوع روز

سکوت را بشکنیم، همدستان صهیونیست های نژاد پرست را افشا کنیم

"ما غزه را به قرون وسطی برمی گردانیم تا اسرائیل برای چهل سال آرام گیرد"



ممالک امپریالیستی اروپائی و آمریکائی که به دروغ از حقوق بشر سخن می گویند، به نقض حقوق بشر در ایران و سوریه و یا در گذشته، قبل از فرو پاشاندن عراق و افغانستان و لیبی... از نقض حقوق انسانها و ظلم و زور و سرکوب... گلو پاره می کردند، از پرواز ممنوعه ی هوائی در لیبی سخن می گفتند و از برای دخالت بشردوستانه در مورد سوریه بیتابی می کنند... الی آخر... امروز اما در قبال فجایع دهشتناک نوار غزه و بمبارانهای بربرمنشانه و تکه پاره کردن کودکان و مردم بیگناه و بی دفاع فلسطین خفقان گرفته اند، لب تکان نمی دهند، از دخالت بشردوستانه خبری نیست، از ممنوعیت پرواز هوائی جنگنده های اسرائیل بر فراز نوار غزه خبری نیست. از تحریم و مجازات اقتصادی اسرائیل خبری نیست. تازه با بیشر می تمام تجاوز دولت تا به دندان مسلح و فاشیست و نژادپرست اسرائیل را به نوار غزه نیز در قالب "دفاع از خود در مقابل موشک پرانی "حماس" توجیه هم می کنند و به خورد مردم می دهند. این جانوران "متمدن" عملاً همدست رژیم هیتلر صفت اسرائیل اند و کمر همت به نابودی فیزیکی ملت فلسطین بسته اند. در اینجا ضروری است به جریاناتی که از "گشودن جبهه ی موهومی سوم" در غزه، هم علیه ی سازمان حماس و هم اسرائیل سخن می گویند، اشاره کرد تا خوانندگان بیشتر پی به ماهیت ارتجاعی چنین شعاری که به نفع صهیونیست های اسرائیل است ببرند.

شعار "جبهه ی سوم" زمانی در بین برخی از سازمان های منحرف ترسکیستی و شبه ترسکیستی در حرف "جبهه ی سوم بود" که سر بازانش تصمیم داشتند در نبرد غزه در چهار سال پیش یک تیر به سوی حماس شلیک کنند و یک تیر به سوی اسرائیل!! ولی در عمل در جبهه ی ضد فلسطینی شرکت داشتند زیرا شعارشان، سیاستشان و همه ی تبلیغاتشان به نفع رژیم صهیونیستی و متجاوز اسرائیل تمام شد. امروز دیگر چنین جبهه های حتی در حرف هم وجود ندارد و تولید کنندگان چنین شعار ارتجاعی شهامت دفاع از آن را ندارند و خجولانه با صدور اعلامیه های و به طور یواشکی بسیار کم رنگ و ضعیف و خفیف بمباران غزه را محکوم نمودند، اگر چه در قالب مسبب دانستن سازمان مقاومت حماس. در مورد بمباران غزه توسط اسرائیل. احزاب و سازمان های نظیر حزب کمونیست کارگری تقواییسم، سازمان اقلیت، حزب کمونیست م ل م مانویست ها از جمله چنین جریانات مرتجعی هستند که در لنجزار "تئوری دو قطب ارتجاعی" فرورفته و می خواهند در پارکابی آمریکا و اسرائیل رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون سازند. این جریانات خرابکار شبه ترسکیست در رابطه با تجاوز امپریالیست ها به سوریه، لیبی، افغانستان، عراق، فلسطین و لبنان عملاً به همدست امپریالیسم علیه ی خلق های منطقه تبدیل شده اند و به ارتجاع جهانی خدمت می کنند. این جریانات به ظاهر چپ از طرح شعار فوری و بی قید و شرط امپریالیست ها از کشورهای تحت اشغال نظیر افغانستان و عراق و... پرهیز می کنند زیرا امپریالیسم را به "اسلام سیاسی" ترجیح می دهند. چنین است مواضع سیاسی این جریانات که در کمپ ضد انقلاب مشغول انجام وظیفه هستند.

* * * * *

تحریم اقتصادی یعنی اعدام با ابزاری دیگر

وقتی ناسیونال شوونیست های رنگارنگ، سازمان های نظیر مجاهدین و سلطنت طلبان و "حزب ضد کمونیست کارگری عامل اسرائیل" در مورد تحریم سخن می گویند، مسبب را جمهوری اسلامی تحلیل می کنند و در اشکال مختلف به توجیه و تائید تحریم های اقتصادی می پردازند. این جریانات که در عرصه ی مجازی نیز جولان می دهند از تجاوز نظامی به ایران دفاع می کنند و به دنبال سیاست لیبیائی و سوری کردن ایران هستند. مطلب کوتاه زیر پاسخی است به این مزدوران خود فروختگان سیاسی:

از اعدام در رسانه های بورژوا لیبرالی غرب به عنوان قتل عمد بسیار سخن می رود. توگوئی امپریالیست ها مخالف قهر و خشونت و اعدام هستند. اما اگر اعدام قتل عمد است پس یک بار دیگر با حوصله به مصاحبه ی خبرنگار برنامه ۶۰ دقیقه مورخ ۱۲ ماه مه ۱۹۹۶ با خانم "مادلین آلبرایت"، وزیر اسبق امور خارجه آمریکا در دوره ی ریاست جمهوری بیل کلینتون توجه فرمائید تا پی به عمق دروغ و ریاکاری و فاجعه های که برای مردم ما در حال صورت گرفتن است ببرید..

مجری برنامه می پرسد: "ما شنیده ایم که [در عراق، بر اثر تحریم ها] بیش از نیم میلیون کودک جان خود را از دست داده اند، یعنی بیش از تعداد کودکانی که در هیروشیما مردند؛ آیا این اقدام ارزش چنین هزینه ای را داشت؟"

"مادلین آلبرایت"، با صراحت پاسخ می دهد: "ما معتقدیم که ارزش آن را داشت". اگر این قتل عمد نیست پس چیست؟ اگر این اعدام کودکان و محرومان جامعه نیست پس چیست؟

حال توجه کنید که همین تحریم های جنایتکارانه توسط آمریکای "دمکرات و اتحادیه اروپای سوسیال دمکرات" علیه ی مردم ایران در حال اجرا شدن است و جنایت می آفرینند. فقدان دارو و دیگر مایحتاج اولیه جان محرومان جامعه ی ما را می گیرد و جامعه را به قهقرا می برد. تحریم های نفتی و گازی و بانکی و وسایل زندگی اولیه ی مردم، قتل عمد یعنی اعدام مردم ایران است و پیامدهای آن مردم را تا همینجا به فلاکت کشانده است.

همه‌ی ایرانیان و آزادیخواهان بیدار وجدان نه تنها باید این تحریم‌های ضد بشری را محکوم کنند بلکه باید فعالانه با پیکاری متحد و جانانه برای لغو آن و علیه‌ی همه‌ی مزدوران مدافعان این قتل عمد به پاخیزند. تکرار سناریوی عراق فاجعه‌ی مصیبت باری برای مردم ایران است. همین امروز برخیزیم زیرا فردا دیر است. وظیفه‌ی تک تک ایرانیان میهن‌دوست و مترقی است که پرده از ماهیت احزاب و محافل خودفروخته‌ای نظیر حزب دموکرات کردستان ایران، کومله مهتدی، حزب کمونیست کارگری، مجاهدین و سلطنت طلبان رنگارنگ که به دنبال امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها روانند بردارند و به افشای بی‌امان آنها بپردازند. بدون مبارزه علیه‌ی دشمنان رنگارنگ مردم ایران کسب آزادی و استقلال و دموکراسی ممکن نخواهد بود.

.....

* * * * *

پایان کار ایران تریبونال با همدستی نمایندگان امپریالیست



دادگاه جمهوری اسلامی ایران به جرم "جنایت علیه‌ی بشریت" تحت نام «کارزار مردمی ایران تریبونال» که در ژوئن ۲۰۱۲ در لندن و در اکتبر ۲۰۱۲ در لاهه برگزار شد با محکومیت رژیم جمهوری اسلامی به کار خود پایان داد. این تریبونال هم مثل واقعه‌سازی‌های دیگر... به پایان رسید. اما این کارزار نشان داد که عده‌ای از سازمان‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی تا چه اندازه سقوط کرده‌اند که بیش‌رمانه با نمایندگان امپریالیست‌ها که تحت عنوان دادستان و قاضی در این نمایش شرکت داشتند و برنامه را مهندسی کرده‌اند، همکاری نموده و بدان افتخار هم می‌کنند. یکی از افتخارات آقای دادستان، پیام اخوان، محاکمه‌ی رئیس جمهور قانونی اسبق کشور یوگسلاوی است که توسط امپریالیست‌ها در زندان به قتل رسید. آقای اخوان بمباران و تجزیه‌ی یوگسلاوی را الگوی خوبی برای محاکمه‌ی سران جمهوری اسلامی می‌بیند و از آن الهام می‌گیرد. حضور سازمان و احزاب خودفروخته‌ای نظیر مجاهدین و حزب کمونیست کارگری و برخی از سازمان‌های منحرف و دنبالچه‌ی این جریان‌ها ضد انقلاب نظیر کمیته‌ی مرکزی سازمان راه کارگر، حزب مائویست (م.ل.م) و سازمان فدائیان اقلیت در این تریبونال و عدم موضع‌گیری در قبال تحریم و تجاوز امپریالیستی به ایران مبین این امر است که این بخش از اپوزیسیون به بهانه‌ی مبارزه علیه‌ی جمهوری اسلامی به همدست جهان‌خواران بین‌المللی و سازمان همکاری اسلامی تبدیل شده است. تشدید مبارزه‌ی طبقاتی و تکیه بر این اصل که مبارزه برای سرنگونی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، نه تنها باید با تکیه بر نیروی لایزال مردم ایران تحقق پذیرد، بلکه باید همواره بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم و دسیسه‌های آنها نیز مبارزه نماید، یک امر روشن و شفاف انقلابی برای تعیین جبهه‌ی انقلاب و ضد انقلاب، جبهه‌ی مبارزان انقلابی در مقابل همدستان امپریالیسم و صهیونیسم در ایران است. نیروی سیاسی جز این گوید به دره‌ی خیانت سقوط خواهد کرد و در نزد مردم ایران بی اعتبار خواهد گشت. سرنوشت غم انگیز سازمان مجاهدین و حزب کمونیست کارگری بسیار آموزنده است. به پروژه‌ی امپریالیستی شهرزاد نیوز و نقش ارتجاعی سازمان اقلیت در توجیه دریافت کمک مالی از امپریالیست هلند نگاه کنید، بسیار آموزنده است.

* * * * *

علت وجودی دین و خرافات، نادانیست

دین زائیده‌ی جهل و نادانی و خود تائید آن است. همه‌ی افراد مذهبی پیوند با "خدا" را تنها از ترس حفظ میکنند. وجدان مذهبی در هر سطح و وضعی که ارائه شود، محور آن را دگم "خدا" و ایمان به یک نیروی "ما فوق طبیعت" تشکیل می‌دهد. برای علم و دانش "خدا" چیز شناخته شده‌ای نیست. اما در پاسخ نیاز معنوی و جبران ضعف، مذهب هیچ نوع وضعی را جبران نمی‌کند، بلکه خود گویاترین بیان ضعف‌ها و تصریح و تقدیس آنهاست. مذهب به صورت افیون مسموم، تنها رخوت و فلجی و سرگشتگی و پریشانی به همراه می‌آورد و تنها با این ماهیت و نقش طبقاتی ارتجاعی است که نزد همه‌ی طبقات استثمارگر جای داشته و دارد. امروز جایگاه مذهب در جوامع اروپائی به یمن انقلابات صنعتی و تحولات فرهنگی و پیشرفت علم و همین طور بهبود نسبی وضعیت مادی و بهداشتی، آموزشی و فرهنگی و حقوق دموکراتیک ضعیف گشته است. زیرا نظام فنودالی بهترین بستر برای نشو و نما مذهب و کلیسا و قدرت روحانیون بود که در هم شکست. اما بورژوازی تا آن اندازه به مبارزه با مذهب پرداخت که نیاز وی بود یعنی سرنگونی نظام فنودالیت و کسب قدرت سیاسی. پس از آن خود نیز از مذهب برای تخریب توده‌ها و تداوم استثمار بهره جست و هنوز هم می‌جوید. به ویژه با پیدایش انحصارات و تکامل سرمایه‌داری به امپریالیسم (ارتجاع سیاسی) تقویت مذهب و نیروهای میرنده اجتماعی برای بقای نظام سرمایه‌داری ضروری است.....

باری، باید ریشه‌های اجتماعی مذهب، شرایط عینی و آن روابط اجتماعی را که باعث پدید آمدن و ادامه‌ی هستی مذهب شدند را درک کنیم و در متن مبارزه‌ی طبقاتی و تلاش آگاهانه برای الغای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و فراهم آمدن شرایط مناسب مادی و فرهنگی و در یک پروسه‌ی طولانی تاریخی، وجدانی در نهاد انسان حاکم شود که شایسته‌ی اوست، وجدانی که از افیون دین رها باشد

پاسخی به جاهلان سیاسی که به ورزشکاران ایران توهین می کنند

پاره‌های انقلابی نماهای مسخره نیز مانند رژیم جمهوری اسلامی به تکفیر ورزشکاران ایران در میدان‌های ورزشی پرداخته‌اند و به افتخاراتی که آنها برای وطنشان خلق کرده‌اند، توهین و تحقیر روا می‌دارند. این بیچاره‌های شبه انقلابی پیروزی‌های ایران در مسابقات جهانی را نه پیروزی مردم ایران بر ضد رژیم جمهوری اسلامی و دسیسه‌های جهانی، بلکه پیروزی‌های رژیم جمهوری اسلامی به حساب می‌آورند. آنها که دستی در آتش دارند و از روند مبارزات انقلابی بیرون آمده‌اند و تاریخ مبارزات مردم ایران را می‌شناسند، می‌دانند که رژیم‌آخوندها از همان روز نخست به مخالفت با ورزش برخاستند و فوتبال را نخست به علت این که "پرو پاچه"ی مردان بیرون است، تکفیر کردند و در کار مسابقات جهانی فوتبال و آسیا با شرکت تیم ملی ایران اخلال نمودند و از برگزاری بازی‌ها جلو گرفتند. از حضور زنان به ورزشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی مختلط ممانعت کردند و تنها رشته‌های معینی از ورزش را "اسلامی" تشخیص دادند. آنها از همان روز نخست می‌خواستند کشتی و فوتبال و وزنه برداری را از بین ببرند و به جایش با الهام از غزوات پیامبر اسلام اسب سواری و شمشیربازی را مرسوم دارند و به رسمیت بشناسند. این که امروز جوانان میهن ما در میدان‌های جهانی افتخار آفرینند و از احساس غرور ملی سرشارند، ناشی از رضایت جمهوری اسلامی و تلاش‌های آنها نیست، بلکه علیرغم میل آنها و دسیسه‌ها و خرابکاری آنهاست. این افتخارات، افتخارات مردم میهن ماست و به مردم ما نیرو می‌دهد تا هویت خویش را حفظ کرده در مقابل دشمنان مردم و کشورشان ایستادگی کنند. نمی‌شود دستاوردهای مردم را که محصول سال‌ها مبارزه‌ی آنها، حتی علیه رژیم جمهوری اسلامی بوده است، به حساب جمهوری اسلامی گذارد و آنها را تخطئه کرد. مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی در این عرصه نیز یک مبارزه مؤثر و مورد حمایت اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران و به ویژه زنان ایران است. ما باید رژیم جمهوری اسلامی را در عرصه‌ی ورزشی شکست دهیم و بخواهیم که مردم ما اعم از زن و مرد در تمام عرصه‌های ورزشی فعال بوده و در مسابقات شرکت کنند و خواست‌های خویش را برای شرکت در تمام رشته‌های ورزشی در برابری کامل زن و مرد افزایش دهند.

عده‌ای دگماتیست به بهانه‌ی مبارزه علیه جمهوری اسلامی به نفی فوتبالیست‌های ایران می‌پردازند و همه‌ی آنها را سرسیرده‌ی رژیم مافیائی اسلامی تحلیل می‌کنند.

ببینید چه اراجیفی بیان می‌شود. این افراد ماجراجو و بی‌خرد فوتبالیست تیم ملی، علی‌کریمی را که به خاطر شجاعت و صراحت لهجه‌اش در انتقاد به رژیم و دفاع از مردم ایران در جریان خرداد ۸۸ و حمایت از محرومان جامعه، محبوب میلیون‌ها نفر و در قلوب آنها جای گرفته است، به عنوان همدست فاشیسم و مافیای حاکم محکوم می‌کنند:

«امثال علی کریمی از باند‌های مافیائی حکومتی می‌باشند که از جیب مردم ایران که هزینه‌ی پانصد میلیون تومانی می‌شود، سود می‌برند و ماشین‌های آخرین مدل سوار می‌شوند و بعد هم مانند تمامی تفنگداران سرمایه‌داری "بزرگواری" می‌فرمایند و به محرومان "رسیدگی می‌کنند". به نظر من کسانی مانند خود مهناز افشار در فیلم‌های ارتجاعی دست ساخت رژیم بازی می‌کند این به اصطلاح "ورزشکاران و هنرمندان مردمی" رفیق دزد شریک غافله می‌باشند از یک طرف دستشان در جیب رژیم غارتگر است در استثمار توده‌های مردم زحمتکش به وسیله‌ی فوتبال مافیائی رژیم و فیلم‌های ارتجاعی شرکت می‌کنند و از طرف دیگر هم خود را از مردم می‌دانند، یک دروغ بزرگ است»

این عده تمام شعاع یک دایره را نمی‌بینند، از درک مسائل پیچیده‌ی اجتماعی عاجزند و از همین رو به آنارشیسم و نپیلیسم در غلتیده‌اند. اینان نمی‌فهمند که در دنیای صنعت و تجارت فوتبال در دنیای مافیای فوتبال چه اتفاقاتی روی می‌دهد که فقط در شرایط مشخص و کنکرت قابل فهم خواهند بود و نه با شعارهای کلی.

با دگم اندیشی نمی‌توان به جنگ و اقیبیات رفت. اینکه فلان فوتبالیست میلیارد در است پس همدست مافیاست و در "نجاست غوطه میخورد" ساده کردن قضیه است عدم درک مسئله در شرایط مشخص است، حال به دو نمونه توجه کنید :

۱ - رژیم اشغالگر صهیونیستی با شرکت ورزشکاران فلسطینی در بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن به این بهانه که کمیته‌ی بین‌المللی المپیک، شهر بیت المقدس را به عنوان پایتخت فلسطین به رسمیت شناخته است، مخالفت کرد. رژیم نژادپرست اسرائیل ورزشکاران فلسطینی را به زندان می‌اندازد تا آنها نتوانند در میدان‌های ورزشی با هویت فلسطینی و با پرچم فلسطین ظاهر شوند. از جمله این اسراء یکی "سرسک" فوتبالیست فلسطینی است. بازداشت وی موجی از اعتراض در سراسر جهان تولید کرده است.

"اریک کانتونا" ستاره‌ی پیشین فوتبال فرانسه و منچستر یونایتد، برخورد رژیم صهیونیستی با ورزشکاران فلسطینی را مورد انتقاد قرار داده و خواستار آزادی فوری "محمود سرسک" فوتبالیست اسیر فلسطینی در زندان‌های اسرائیل شد. وی به کارزار آزادی بازیکن مظلوم فلسطین پیوست که در زندان رژیم اسرائیل دست به اعتصاب غذا زد و سرانجام در اثر فشار بین‌المللی آزاد گردید. فراموش نکنیم اریک کانتونا میلیارد در است و در لیگ مافیای انگلیس توپ می‌زد..... علی کریمی به لحاظ مالی گنجشکی در مقابل قوست.

۲ - در جریان بمباران وحشیانه‌ی نوار غزه و کشتار مردم بیگناه فلسطین **کنوته** بازیکن آفریقایی تیم سویلای اسپانیا پس از گل زدن پیراهنش را درآورد و تی شرتی که با پرچم فلسطین مزین شده بود همبستگی خود را نسبت به مردم فلسطین نشان داد و

افکار عمومی را علیه اسرائیل برانگیخت. فراموش نکنیم کنتوته نیز میلیاردر است و... علی کریمی به لحاظ مالی در مقایسه با وی گنجشکی در مقابل قوست.

ارزش هر حرکت سیاسی را باید با تحلیل مشخص از شرایط مشخص مورد قضاوت قرار داد و نه با شعارهای کلی و بی ارتباط و سیاه و سفید دیدن قضیه. اگر در جریان اعتراضات سال ۸۸ علی کریمی با مچ بند سبز در حد امکاناتش ندای اعتراض سر داد و در نیمه‌ی دوم بازی مجبورش کردند مچبند را از دستش درآورد نشان از شجاعت و شعور و آگاهی وی است که نسبت به هموطنانش بی تفاوت نیست. هر انسان با رفتار و عملکرد مشخص اجتماعی‌اش مطرح می‌شود و نه با بلبل زبانی‌هایش.

* * * * *

انتخابات آمریکا و دفاع بیشترانه از امپریالیسم و نماینده‌ی آن باراک اوباما

رئیس جمهور آمریکا، باراک اوباما ظاهراً توسط مردم انتخاب شد. وی چهارسال دیگر رسماً سیاست‌های امپریالیستی را در لباس میش ادامه می‌دهد. سیستم‌گنبدی سرمایه‌داری آمریکا نماینده‌ی یک درصدی بخشی از جامعه‌ی صاحب سرمایه تکان خواهد خورد. در وضعیت مردم محروم جامعه‌ی آمریکا تغییر اساسی صورت نخواهد گرفت. در خارج از مرزهای آمریکا نیز سیاست جنگ طلبانه و تهدید و تجاوز به کشورها ادامه خواهد یافت. در یک کلام با آجیل مشکل گشای شوی هالیوودی و انتخاب یک مرد سیاه پوست و یا یک زن سفید پوست بعنوان رئیس جمهور هیچ مشکلی حل نخواهد شد. سگ زرد برادر شغال است.....

ادامه‌ی تظاهرات‌های مردمی در وال استریٹ و متشکل شدن کارگران علیه این نظام پوسیده و ضد انسانی و بربر، امید بخش است و آلترناتیو مردمی تنها می‌تواند از دل چنین جنبش‌های ۹۹ درصدی بیرون خزد

عده‌ای از ایرانی‌ها که کعبه‌ی آمالشان "دموکراسی آمریکائیت" و از امپریالیسم و استعمار به دفاع برخاسته‌اند، سیستم انتخاباتی آمریکا را کاملاً آزاد و "دموکراتیک" و اوباما را مرد حلال مشکلات داخلی و خارجی آمریکا می‌دانند. به این فریب خوردگان و سر سپردگان امپریالیسم باید متذکر شد که ۴ سال پیش باراک اوباما سیاست داخلی خود را اشتغال زائی و پائین آوردن سطح بیکاری به ۴٫۵ درصد، حل مسئله‌ی بیمه‌های بهداشتی برای کل جامعه و به ویژه برای ۵۰ میلیون نفری که هیچ نوع بیمه‌ی بهداشتی ندارند، حل مسائل آموزشی در جامعه که دانش آموزان، بیسواد از دبیرستان‌ها فارغ‌التحصیل نشوند، حل بحران مسکن که میلیون‌ها خانواده را به فلاکت نشانده است، حل مشکلات وام‌های دانشجویی که حلقوم فارغ‌التحصیلان را می‌فشارد و زندگی آنها را به گروگان گرفته است، حذف امتیازهای میلیونی به رؤسای کمپانی‌ها و بانک‌ها، و با فریب و حقه بین مردم تبلیغ کرد. هم اکنون ۴ سال از آن کارزار می‌گذرد و هم چنان این مشکلات در جامعه حل نشده، باقی مانده‌اند. بیکاری در سطح ۸ درصد باقی مانده است، سرمایه‌ها به هجوم خود به خارج کشور برای کسب حداکثر سود ادامه می‌دهند، هنوز ۵۰ میلیون نفر بیمه‌ی بهداشتی ندارند، میلیون‌ها مسکن نوساز وجود دارد ولی مردم قدرت خرید و یا اجاره کردن آنها را ندارند، حذف خدمات اجتماعی هم چنان ادامه دارد، و هزاران میلیارد دلار از مالیات مردم به جیب بانک‌ها و کمپانی‌ها ریخته شد

در ۴ سال پیش در کارزار انتخاباتی باراک اوباما بخشی از سیاست خارجی خود را، پایان دادن به تجاوز آمریکا به خاورمیانه، حل مسئله‌ی فلسطین، انحلال زندان‌های مخفی آمریکا در جهان و به ویژه برچیدن زندان مخوف گوانتاناما، ایجاد تفاهم و اعتماد بین آمریکا و جهان عرب، معرفی کرد. پس از گذشت ۴ سال از رئیس جمهوری اوباما نه تنها جنگ در خاورمیانه پایان نیافته است بلکه تجاوز وحشیانه به افغانستان هم چنان ادامه دارد، کشور لیبی با بمباران وحشیانه‌ی ناتو و آمریکا با تپه خاک یکسان شده است، دولت نژاد پرست اسرائیل هنوز علیه مردم فلسطین و کشورهای عربی عربده کشی می‌کند، خود دولت اوباما بر تبلیغات جنگ افروزانه علیه مردم ایران و سوریه افزوده است و آشکارا و رسمی از جنگ افروزی و جنایات دولت صهیونیستی اسرائیل علیه مردم ایران و اعراب حمایت می‌کند، زندان‌های مخفی و نیمه مخفی آمریکا در جهان به کار خود ادامه می‌دهند، مردم جهان به درستی هنوز نسبت به رفتار آمریکا بسیار بدبین هستند و..... در انتخاباتی که بیش از ۱۰۰ میلیون نفر واجد شرایط در انتخابات شرکت نمی‌کنند و در صد شرکت کنندگان کمتر از ۵۰ درصد است و دو حزب جمهوریخواه و دموکرات به پشتوانه‌ی میلیاردها دلار کمپانی‌های بزرگ به قدرت می‌رسند، نمی‌تواند دموکراتیک باشد. چنین انتخاباتی از بنیان ضد دموکراتیک و ربطی به زحمتکشان ندارد. اوباما گرگی در لباس میش است و نمی‌تواند نماینده‌ی واقعی مردم آمریکا باشد.

* * * * *

موضوع انرژی هسته‌ای ربطی به بمب اتمی ندارد

پرسش اینجاست چرا عده‌ای دوقوله‌ی انرژی هسته‌ای و بمب اتمی را یکی می‌پندارند و علیه "بمب اتمی" جمهوری اسلامی تبلیغ می‌کنند. این عده یا نادانند و در دام تبلیغات امپریالیستی گرفتار آمده‌اند و یا جیره خوار اجانب هستند. روی سخن ما در اینجا با ساده لوحانی است که از روی نادانی و لجاجت‌های کودکانه، حزب کار ایران را به طرفداری از بمب اتمی متهم می‌کنند. به هر حال برای درک یک مطلب علمی و پیچیده باید با دوچشم به تمام شعاع یک دایره نظر انداخت در غیر این صورت به موضع تجریدی و

بدفهمی درخواهیم غلنید. حزب ما از نخستین نیروی سیاسی در ایران بود که بیش از ده سال پیش به طور موشکافانه به مسئله‌ی هسته‌ای پرداخت و با پیش بینی صحیح از تشدید تضادهای منطقه و هجوم امپریالیسم و تهدید به تجاوز نظامی به ایران پاسخ منطقی و علمی به انرژی هسته‌ای و مناقشات بین آمریکا و ایران داده است. به طور مختصر توفان در مورد اتم چنین می‌گوید:

۱ - ما خواهان آنیم که در یک مرجع بین‌المللی همه‌ی ممالک جهان از جمله ایران موظف شوند پروتکل الحاقی به منع گسترش سلاح‌های اتمی را با پروتکل الحاقی تر، انهدام سلاح‌های اتمی در سراسر جهان جایگزین کنند. چرا کمونیست‌ها باید به جای مبارزه با تولید سلاح‌های اتمی و حق استفاده از آن با گسترش آن فقط مخالفت کنند. این بدان معناست که فقط بخشی از "برگزیدگان" حق دارند سلاح اتمی داشته باشند و دارا بودن سلاح اتمی حق انحصاری آنهاست. ما هوادار نابودی سلاح‌های اتمی هستیم و نه حفظ آن به بهانه‌ی پذیرش منع گسترش آن.

۲ - سخن بر سر به رسمیت شناختن یک حق دموکراتیک است. به رسمیت شناختن یک حق به معنی حمایت از تحقق آن در هر شرایط و با هر قیمت نیست. ما هوادار حق دموکراتیک زن و شوهر در تصمیم مستقلانه‌ی خود آنها در امر طلاق هستیم و آن را به رسمیت می‌شناسیم ولی این پذیرش یک حق دموکراتیک به مفهوم آن نیست که ما هر طلاق مشخصی را بدون توجه به فواید و یا مضرات آن نیز توصیه می‌کنیم بعضی‌ها که به شدت تحت تأثیر تبلیغات امپریالیست‌ها هستند و کاملاً خلع شده‌اند با لکنت زبان می‌پذیرند که آمریکا حق داشتن بمب اتم را دارد اما کره‌ی شمالی و یا ویتنام و کوبا ... ندارند. حال اگر روزی مردم این کشورها تصمیم به تولید بمب اتم گرفتند باید مجازات شوند، زیرا حق ندارند زیرا "غیر دموکرات هستند"؟ آنها نباید دارای چنین حقی باشند. اما آمریکا و اسرائیل و فرانسه می‌توانند و باید دارای چنین حقی باشند؟ اپورتونیست‌های بزدل که بسیار هومانسیم تشریف دارند مرعوب جنگ روانی امپریالیستی شده و همان اراجیف و دروغ‌های رسانه‌های استعماری را تبلیغ می‌کنند.

اینان هنوز نفهمیده‌اند که عیار مبارزه‌ی پرپیچ و تاب جهان کنونی را نمی‌توان با خط کش راست و مستقیم معین کرد و شناخت. باید توجه داشت تنها با صداقت داشتن نمی‌توان به حقیقت مسلم دست یافت. برای کشف حقیقت باید از آگاهی دانش مبارزه‌ی طبقاتی برخوردار بود. درستی و صداقت کافی نیست تا قادر شویم حقیقت را دریابیم، بلکه باید درستی و صداقت را با دانش و آگاهی از اصول و اسلوب مبارزه‌ی طبقاتی در هم آمیخت تا بتوان به کشف حقیقت دست یافت. بهترین معیار اصولی و انسانی کشف حقیقت، نگاهی آزادانه، مستقل و بدون تأثیر پذیری از رسانه‌های مجازی کنونی که در کنترل دول امپریالیستی، صهیونیستی است، به اتفاقات و وقایع جهان کنونی آن طور که هست و نه آن طور که دیگران به میل خویش تفسیر می‌کنند، می‌باشد. عقل سلیم حکم می‌کند که حقیقت را باید از آزادگان پذیرفت و نه از بیگانه پرستان. یگانه ملاک راستین و حقیقی آزادی عدم و یا انکار هرگونه همکاری با دول امپریالیستی چه شرقی و چه غربی و رژیم‌های ارتجاعی چون عربستان سعودی، ترکیه، قطر، اسرائیل است. مسئله‌ی هسته‌ای فقط یک بهانه است زیرا هدف امپریالیست آمریکا موضوع کنترل منابع طبیعی و به مستعمره تبدیل کردن ایران است همانطور که در عراق و افغانستان و لیبی و ... عمل نموده است

* * * * *

سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وظیفه‌ی داخلی مردم ایران است

"وقتی زورمان نمی‌رسد و این همه تلفات می‌دهیم چاره‌ای جز این نداریم که از بیرون حتی آمریکا کمک بگیریم. دنیای امروز با دنیای دیروز تفاوت دارد باید از خشک مغزی و تقدس طلبی ضد امپریالیستی دست کشید."

پاسخ ما به این دوست فیسبوکی که از ابراز بیان وابستگی سازمانی خود به حزب دموکرات کردستان و یا کومه شرم دارد ولی همان نظرات ناسیونال شوونیستی و تجزیه طلبانه را مدام تکرار می‌کند، این است که سرنگونی رژیم‌های ایران و یا سوریه و نظایر آنها تنها باید با دست توانای ملت‌های خودشان و بر ضد دخالت و دسیسه‌های امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها انجام گیرد. هر کس مبارزه بر ضد رژیم جمهوری اسلامی را با مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم پیوند نزند، عامل آگاه یا ناآگاه دشمنان مردم ایران است. مردم ایران هرگز به این دسته‌های سیاسی که نوکری اجانب را پذیرفته‌اند اعتمادی ندارند. ما هم اکنون با کارزار مجاهدین و سلطنت طلبان و فریب خوردگان در تریبونال لندنی روبرو هستیم که سرنخس در دست محافل امپریالیستی است و تدارک جنگ علیه‌ی ایران را می‌بینند. سرمشق سوریه برای تجربه‌ی اندوزی در مورد ایران بسیار آموزنده است. همه‌ی این دارو دسته‌های ایرانی همان اپوزیسیونی هستند که آمریکا دارد آنها را علم می‌کند. اپوزیسیونی که می‌خواهند در پارکابی امپریالیست‌ها به ایران حمله کنند و جنگ داخلی راه بیاندازند. شعار "ما بی وطنیم" و "افتخار می‌کنیم که بی وطنیم" الهام بخش اعمال زشت آنهاست. آنها این شعار امپریالیستی را نفهمیده و مودیان به کمونیسم نسبت می‌دهند. خط مشی منصور حکمت بر همه‌ی این مدعیان مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی مسلط شده است. آنها خواهان آزادی و استقلال ایران نیستند، آنها خواهان ایرانی زبون و مستعمره‌ی امپریالیست‌ها هستند. مصالحه با این خودفروختگان بر ضد مصالح مردم ایران و طبقه‌ی کارگر ایران است. باید در کنار امپریالیست‌ها این اپوزیسیون خودفروخته و نوکر اجنبی را افشاء کرد و مردم را نسبت به ماهیت آنها آگاه نمود و گر نه بسیار دیر خواهد شد.

* * * * *

فریب پروفایل‌های انقلابی در فیسبوک را نخوریم

در دنیای مجازی فیسبوک شما با انواع و اقسام آدم‌ها با پروفایل‌های گوناگون روبرو می‌شوید که اگر بر روی خط سیاسی آنها متمرکز نشوید هیچگاه سر در نمی‌آورید که این افراد به دنبال چه اهدافی هستند و اینهمه پرسه زنی در فیسبوک برای چیست. اخیراً شخصی

عکس رفیق استالین را بعنوان پروفایل خود برگزید و فیسبوکش را با تصویر استالین مزین نمود. اما وقتی به مواضع سیاسی و خطوط فکری این فرد متمرکز شدیم چنین یافتیم که ایشان از منصور حکمت رهبر دلچک و اسرائیلی حزب کمونیست کارگری به عنوان یکی از رهبران جنبش کمونیستی یاد می کند، از جنایات استالین سخن می گوید، به مسئله میهن دوستی باور ندارد و فهمیده و نفهمیده از جهان وطنیسم دفاع می نماید... و لا غیر. چنین کسانی هدفی جز ایجاد اغتشاش فکری و مشوب افکار ندارند. اینان با نام و تصویر استالین به جنگ لنینیسم و مفسر آن استالین می روند. آنها از استالینی دفاع می کنند که همه ی کشتارها را به گردن می گیرد و از پیش حکومتش را محکوم به فروپاشی می داند. جالب اینجاست، چنین مارگبر شعبده بازی با هر کامنتی فوراً از یاران حکمتی خود لائیک دریافت می کند و دم خروس از زیر قبایش بیرون می زند..... خوب است رفقا در عرصه ی فیسبوک هوشیارانه عمل نمایند و چهره ی چنین افراد شارلاتانی را که از نام و تصویر انقلابیون سوء استفاده می کنند، بر ملا سازند.

* * * * *

آکسیون شکوهمند در شیلی در همبستگی با خلق های فلسطین، سوریه و ایران



تظاهرات رفقای حزب کمونیست شیلی (آکسیون پرولتاریائی) در سانتیاگو شنبه ۱۷ نوامبر در دفاع از خلق های ایران، فلسطین و سوریه و در محکومیت رژیم صهیونیستی اسرائیل که به مناسب سی و سومین سالگرد تأسیس این حزب صورت گرفت از اعتقاد عمیق کمونیست های سراسر جهان به همبستگی بین المللی و انترناسیونالیسم پرولتاری سرچشمه می گیرد. دفاع از خلق های فلسطین و سوریه که مورد تجاوز مستقیم امپریالیست ها و صهیونیست ها قرار گرفته اند، وظیفه ی مارکسیست لنینیست ها را در سراسر جهان دو چندان می کند. تهدید به تجاوز نظامی به ایران و ژرفش تحریم های جنایتکارانه ی اقتصادی و خیز بر داشتن بر لیبیائی کردن ایران و قتل عام مردم و تصرف منابع نفتی زنگ های شوم استعمار را به صدا در آورد و حزب کار ایران (توفان) مدتهاست با انتشار بیانیه های سیاسی همه ی احزاب انقلابی و مارکسیست لنینیست و خلق های جهان را برای درهم شکستن این توطئه فراخوانده است. فراخوانی که در آن تأکید گشته است که سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی وظیفه ی خلق ایران است و نه امپریالیست ها و صهیونیست ها. رفقای شیلی، اسپانیا، فرانسه، دانمارک، ترکیه، نروژ، اکوادور، ونزوئلا، کلمبیا، آلمان، ... بارها به ندای ما پاسخ انترناسیونالیستی خود را داده و با صدور اعلامیه و برگذاری آکسیون های اعتراضی به تقبیح و محکومیت تهدید و تجاوز به ایران و تحریم های اقتصادی مبادرت ورزیدند. آکسیون موفقیت آمیز رفقای شیلی در سانتیاگو در همبستگی با خلق های فلسطین، سوریه و ایران گرمابخش ما کمونیست ها و خلق های ایران و منطقه در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی است. کارگران و زحمتکشان ایران برای استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی با تکیه به نیروی لایزال خویش و با اتکاء به همبستگی بین المللی و حمایت خلق های جهان به پیکارشان برای کسب آزادی و دموکراسی ادامه می دهند.

درد انترناسیونالیستی ما به رفقای حزب کمونیست شیلی (آکسیون پرولتاریائی)!

* * * * *

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاری! زنده بار مارکسیسم لنینیسم!

اعلامیه رفقای سازمان انقلابی افغانستان در همبستگی با خلق فلسطین



زنده باد خلق مبارز فلسطین مرگ بر رژیم جنایتکار اسرائیل!

تشکیل دولت اسرائیل بر اساس اعلامیه‌ی بالفور بعد از جنگ دوم جهانی به حمایت مستقیم انگلیس، سرآغاز تراژیدی خلق فلسطین بود. در شش دهه‌ی گذشته، در کنار اشغال مناطق فلسطینی توسط غاصبان اسرائیلی، جنایت علیه‌ی فلسطینی‌ها و کشتار بیرحمانه‌ی آنان توسط رژیم صهیونیستی به همدستی مستقیم و همکاری بی دریغ امپریالیست‌ها از جمله ایالات متحده، بی وقفه ادامه داشته است. طی این دوران، مناطق فلسطینی زیر حملات جنگنده‌های اسرائیلی به مخروبه‌ای مبدل شده، کودکان، زنان و مردان زیادی را به خاک و خون کشیده‌اند. سربازان اسرائیلی با قساوت بی نظیر به سرکوب اعتراضات و مخالفت‌ها می‌پردازند و از اعمال هیچ نوع زور در حق فلسطینی‌ها دریغ نمی‌ورزند.

در همین حال، بیش از شش سال است که نوار غزه توسط نظامیان اسرائیلی به طرز وحشیانه‌ای از زمین، هوا و دریا به محاصره‌ی اقتصادی کشیده شده است، محاصره‌ای که باشندگان غزه را به سوی مرگ تدریجی سوق می‌دهد. نزدیک به یک و نیم میلیون انسان با کمبود مواد خوراکی، مواد سوخت، دوا و مواد اولیه‌ی زندگی روبرو اند. محاصره‌ی غزه توسط رژیم جنایتکار اسرائیل، سرشت و ماهیت دولتی را نشان می‌دهد که حمایت مستقیم امپریالیزم آمریکا را با خود دارد. این رژیم جز با حمایت مالی، سیاسی و تسلیحاتی امپریالیزم آمریکا هرگز قادر نیست به حیات ننگین و جنایتبارش ادامه دهد و به ژاندارم منطقه مبدل گردد.

حمله بر مناطق مسکونی نوار غزه تحت نام سرکوب حماس و «تروریسم» به بهای کشته شدن زحمتکشان فلسطینی، کودکان و زنانی صورت می‌گیرد که در آرزوی کشور مستقل فلسطینی بدون جنگ، خونریزی و تروریسم اند. پخش تصاویر بدن‌های متلاشی شده‌ی کودکان و زنان و ویرانی غزه توسط جنگنده‌های اسرائیلی، خشم و نفرت جنبش‌های آزادیبخش و انسان‌های آزاده را در سراسر جهان از این رژیم بیشتر ساخته است. رژیم صهیونیستی اسرائیل به این جنایت بسنده نکرده، بیش از ۷۵ هزار نیروی قهارش را در حال آماده باش قرار داده است تا ضرب شست خود را به حماس نشان دهد. در مقابل، حماس با پرتاب موشک به مناطق مسکونی اسرائیل جز برانگیختن خشم دولت جنایتکار، دستاورد دیگری نداشته است. تا زمانی که اسرائیل چون سگ پاسبان منافع آمریکا در منطقه عمل می‌کند و رژیم جنایتکار اسرائیل به نژادپرستی بویناک خود ادامه می‌دهد، فلسطین در دریائی از خون خلق زحمتکش خویش شناور بوده، روی سعادت، آرامی و خوشبختی را نخواهد دید. کشورهای عرب همواره با بی تفاوتی به جنایتی نگریسته است که در حق خلق فلسطین از سوی اسرائیل روا داشته می‌شود، در حالی که اگر این کشورها با هم متحد شوند، اسرائیل در مقابل شان لقمه‌ای بیش نیست، اما متأسفانه اکثر کشورهای عربی آلهی دست آمریکا و کشورهای امپریالیست دیگر بوده، تلاش می‌نمایند نزد بادار خود، شیرین تر و نازدانه تر عمل نمایند.

سازمان انقلابی افغانستان همبستگی عمیق خود را با خلق مبارز فلسطین ابراز داشته، از مبارزات برحق فلسطینی‌ها و حق داشتن کشور مستقل با قاطعیت تمام دفاع می‌نماید. در عین حال محاصره‌ی اقتصادی، بمباردمان وحشیانه و سرکوب مقاومت توده‌های فلسطینی توسط رژیم اشغالگر اسرائیل را به شدت تقبیح نموده، خواهان قطع فوری حملات جنگنده‌ها و پس کشیدن نیروهای جنایتکار اسرائیلی از مرزهای نوار غزه هستیم.

مرگ بر امپریالیزم
در راه سوسیالیزم، به پیش!
سازمان انقلابی افغانستان
۲۷ عقرب ۱۳۹۱

زنده باد پیکار متحد خلقهای منطقه علیه امپریالیسم و صهیونیسم برای رهائی ملی!

توفان شماره ۱۵۳ آذر ماه ۱۳۹۱ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره‌ای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- * ترتسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولژین
- * سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- * مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- * توطئه بزرگ کتاب سوم
- * توطئه بزرگ کتاب چهارم

در خطه حکمرانی اسرائیل اثر ارزشمندی از بهروز افراشته

سرزمین اشغال شده فلسطین توسط عزرائیل

ما خواندن این کتاب را به همه علاقمندان و پژوهشگران و مبارزین راه زادی و استقلال و سوسیالیسم توصیه میکنیم



آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

[/http://www.kargareagah.blogspot.com](http://www.kargareagah.blogspot.com)

[/http://kanonezi.blogspot.com](http://kanonezi.blogspot.com)

[/http://rahatoufan67.blogspot.com](http://rahatoufan67.blogspot.com)

از توفان در فیس بوک و توئیتر دیدن کنید.



دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!